

مقایسه تحلیلی قراردادهای مرتبط و عقد مرکب (مختلط) در حقوق ایران

چکیده:

قراردادهای مرتبط از پدیده‌های نوین حقوقی است که در راستای نیازهای اقتصادی اشخاص، در حقوق کشورهای همچون فرانسه و در پرتو نظریه پردازی‌های دکترین حقوقی و رویه قضایی، به جهان حقوق راه پیدا نمود؛ بمثابة یک بوته تازه روئیده، شاخ و برگ گرفته و شکوفا شده است. در فقه و نظام حقوقی ایران قرارداد مزبور، تبیین نشده و به جز موارد مختصری که در خصوص برخی آثار مهم این دسته از قراردادهای مباحثی مطرح شده، چیزی یافت نمی‌شود. تعریف قراردادهای مزبور با بهره گرفتن از حقوق خارجی و تبیین ماهیت این دسته از قراردادهای برای حل برخی مسائل مهم این دسته از عقود، اهمیت داشته و نقش مهمی را در تحلیل قواعد مربوط به این قراردادهای فراهم می‌نماید. در مقاله حاضر؛ با روش توصیفی-تحلیلی، ضمن تعریف قراردادهای مزبور، به لحاظ وجود دو یا چند قرارداد و تشابه این نهاد حقوقی با عقد مرکب در حقوق ایران، ضمن تحلیل ماهیت قراردادهای مرتبط، تحلیلی جدید از قرارداد مرکب در حقوق ایران، ارائه نمودیم. همچنین، با بررسی مبانی وابستگی قراردادی (از جمله مفهوم موضوع عقد، تئوری علت، مفهوم تقسیم‌ناپذیری و مفهوم شرط تعلیقی یا فاسخ و همچنین تبعیت)، به دو معیار ذهنی (ناظر بر اراده طرفین و شرط تعیین‌کننده رضایت) و عینی (ناظر بر غیرممکن شدن اجرای مادی قراردادها) برای تحقق وابستگی قراردادهای در مرحله انحلال و سایر مراحل پرداخته‌ایم. اگرچه در هر دو نهاد، با ترکیبی از عقود مواجه هستیم؛ اما در قراردادهای مرتبط، دو یا چند قرارداد صرفاً بدین لحاظ که همگی در راستای رسیدن به هدفی واحد انعقاد پیدا نموده، با یکدیگر ارتباط و وابستگی پیدا می‌نمایند، لذا هر قرارداد ماهیت و تشخیص خود را حفظ می‌نماید، لکن در عقد مرکب، ترکیب عقود با یکدیگر ماهیتی جدید و مرکب از قراردادهای تشکیل‌دهنده را بوجود می‌آورد و از این جهت امکان حفظ تشخیص هر عقد به تنهایی وجود ندارد.

کلید واژه‌ها: قراردادهای مرتبط، عقد مرکب، گروه‌های قراردادی، مجموعه‌های قراردادی

مقدمه:

دگرگونیهای مستمر و عظیمی از گذشته تاکنون در اجتماعات انسانی و در همه شئون تحقق یافته یا در حال تحقق است که جملگی در پرتو فعالیتهای فکری بشر بوده است. حقوق نیز پا به پای این تحولات و عمق یافتن مسائل روز بشری به حکم ضرورت باید به ظرافت و زرفای متناسب با محیط پیرامون خود دست یابد. در پهنه این تحولات پر شتاب دانش بشری و پیچیده شدن روابط حقوقی اشخاص حقیقی و حقوقی و پاسخگویی عرف معاملاتی به نیازهای روز جامعه و همچنین نظر به گسترش روابط حقوقی میان دولت ها در قالب قراردادهای بین المللی، در موارد متعددی برای برگزیدن قالب معاملاتی برای تحقق این اهداف و تنظیم روابط قراردادی جهت تنظیم پروژه های عظیم تجاری، احتیاج به چند قرارداد دوجانبه یا چندجانبه در رشته ها و زمینه های مختلف است که سر منشا همه آن ها رسیدن به هدف واحد است که برای تامین آن ضروری است یک سلسله قراردادها میان اشخاص مختلف منعقد گردد و زنجیره ای از قراردادهای به هم پیوند خورده به وجود آید. عنوان قراردادهای مرتبط ناظر به قراردادهایی (اعم از معین یا نامعین) است که در عین استقلال در موضوع و یا بعضا طرفین عقد، به واسطه اراده یک طرف (اعم از اینکه طرف دیگر عالم باشد یا نباشد) یا طرفین، برای رسیدن به اجرای واحد منعقد می شوند و بدین لحاظ با یکدیگر پیوند و وابستگی پیدا می نمایند؛ به گونه ای که شخص محوری برای رسیدن به مقاصد ظاهرا مختلف خویش، اقدام به انعقاد قراردادهای متفاوتی می نماید که بمثابة کوره راه هایی هستند و تجميع این عقود و اداره آنها در کنار یکدیگر، منتهی به بزرگرایی می شود که سر منزل مقصود و هدف نهایی از انعقاد مجموعه این قراردادهاست.

تقسیم و تفکیک عقود به «ساده» یا «مرتبط»، در فقه و نظام حقوقی ایران سابقه نداشته و به طور کلی مورد مذاقه قرار نگرفته و نهادینه نشده است. بنابراین از یکطرف، به جهت نو ظهور بودن اینگونه از قراردادها، بسیاری از مسائل، شرایط و احکام آنها تبیین نشده است. از طرف دیگر، نظر به اهمیت اینگونه قراردادها در توسعه همکاری بین المللی در دیای امروزه و بروز قراردادهای عظیم و مهم تجاری از جمله قراردادهای تجارت متقابل بین المللی در قالب این دسته از عقود، تحلیل صحیح از ماهیت عقود مزبور در جهت تنویر جنبه های پیچیده و مهجور، ویژگی های اختصاصی، شرایط، احکام و آثار خاص این قبیل قراردادها ضروری به نظر می رسد. پرداختن به تمام مسائل مربوط به قراردادهای مرتبط که بسیار زیاده بوده، در قالب این پژوهش غیر ممکن بوده و نیازمند توجه بسیار ویژه دکتربین حقوقی و همچنین رویه قضایی به آن است تا تمام زوایای آن، مورد کنکاش و نظریه پردازی قرار گیرد.

در مواقعی نیز به نحو دیگری، نیازهای اشخاص به انعقاد چندین قرارداد گره خورده است به طوری که اثر اصلی تمام این عقود به طور یکباره مورد اراده طرفین قرار می گیرد، بدون این که اطراف این عقود، بخواهند از تمامی مقررات آمره، شرایط و احکام خاص هر یک از این عقود تبعیت نمایند. به عبارت دیگر، همان طور که بر اساس ماده ۱۰ قانونی مدنی ایران، اشخاص

می توانند قراردادهای خصوصی که مخالف قانون و نظم عمومی نباشد را منعقد نمایند، در مواقعی عقد مزبور به عنوان یک عقد نامعین، ترکیب چندیدن عقد معین یا نامعین را در خود جای داده است، بدون لحاظ این که اشخاص تمامی قراردادهای مزبور را یک به یک با تمام جزئیات آن اراده نمایند.

در مقاله حاضر، بدلیل عدم تعریف قانونی قراردادهای مرتبط، ضمن بیان پیشینه، به تعریف و مبانی این قراردادها خواهیم پرداخت. شناخت ماهیت قراردادهای مرتبط نیز بدلیل پیش گفته دارای اهمیت بسیاری می باشد، لذا با مقایسه ماهیت قراردادهای مرتبط با عقد مرکب که در هر دو نهاد حقوقی با عقود متعددی مواجه هستیم، به تحلیل ماهیت هر دو نهاد خواهیم پرداخت. در این تحلیل مقایسه ای، ضمن ارائه نظریه جدید از ماهیت عقد مرکب، با شناخت ماهیت قراردادهای مرتبط، زمینه را برای تحلیل سایر مقررات و آثار قراردادهای مرتبط فراهم خواهیم نمود.

۱. مفهوم و مبانی قراردادهای مرتبط

۱-۱. پیشینه قراردادهای مرتبط

خواستگاه «عقود مرتبط» را باید در حقوق خارجی بویژه حقوق فرانسه جست و جو نمود. با جستاری در فقه و نظر به اینکه موضوع پژوهش از موضوعات نوینی است که حتی در حقوق خارجی کمتر به آن پرداخته شده است؛ پیشینه ای که بیانگر پرداختن فقهاء به مساله «عقود مرتبط» و بیان آثار و احکام آن باشد، مشاهده نمی گردد. در میان دکترین حقوقی نیز، جز به طور اندک، آن هم عمدتاً در خصوص تاثیر سرنوشت قراردادهای مرتبط بر یکدیگر، به این مساله پرداخته نشده است.

قبل از پرداختن به پیشینه قراردادهای مرتبط، لازم است تا جایگاه این گونه قراردادی مشخص گردد. عنصر متمایز کننده قراردادهای مرتبط از سایر عقود، عنصر «ارتباط» است. ارتباط و وابستگی بین قراردادها در مواقعی به جهت اشتراک در موضوع و در برخی موارد به لحاظ اشتراک در هدف است. ارتباط و وابستگی بین قراردادهایی که بظاهر به نحو مستقل از یکدیگر منعقد گردیده اند، فارغ از اینکه چه عنصری باعث این وابستگی گردیده است، در ذیل اصطلاح بظاهر خاص لکن دارای مصادیق فراگیر «گروه های قراردادی» می گنجد. اصطلاح مزبور از اصطلاحاتی است که در گذر زمان، دستخوش تحولات زیادی شده است و تعاریف مختلف و تقسیم بندی های متعددی نیز از آن ارائه شده است.

بررسی گروه های قراردادی به عنوان سرمنشا و مقسم^۱ قراردادهای مرتبط (مجموعه های قراردادی)^۲ که در آن، قراردادها به لحاظ اشتراک در هدف به هم گره خورده و با هم پیوند برقرار کرده اند و زنجیره های قراردادی^۳ که در آن، وابستگی قراردادهای تشکیل دهنده یک گروه به لحاظ اشتراک آنها در موضوع می باشد؛ از ابتدای دهه ی ۱۹۷۰ شروع شد، در روبه

^۱. البته برخی نویسندگان، اصطلاح «گروه های قراردادی» را مرادف با قراردادهای مرتبط دانسته اند. (اسد زاده، ۱۳۹۸، ص ۱۴).

^۲. Ensemble Contratuelles.

^۳. Chaîne de Contrat.

قضایی فرانسه مورد توجه قرار گرفت و با عناوین مشابه در آراء صادره از محاکم فرانسه بدان پرداخته شد، سپس توجه کرسی های حقوقی را به خود جلب نمود. این تئوری ابتدا بر گرفته از مفهوم «گروه اشخاص وابسته و گروه های اموال»^۱ بود، توسط «برنارد تسیه»^۲ به تئوری گروه های قراردادی گسترش یافت. پایان نامه ایشان در سال ۱۹۷۵ با عنوان «گروه های قراردادی» منتشر شد و سهم بسیار زیادی در توسعه و شناساندن این گروه ها ایفاء نمود. در گروه های قراردادی، با قراردادهای مختلفی مواجه هستیم که یا به منظور «عملیات واحدی» یا برای «موضوع مشابهی» با هم ارتباط پیدا کرده اند (قدک، ۱۳۷۷، ۱۵۵-۱۵۷). این الگوی قراردادی در حقوق انگلیس تحت عنوان «قرارداد ارتباطی»^۳ یا «شبکه قراردادی»^۴ شناخته شده است، هرچند با عناوین خاص تری از جمله «واحد قراردادی»^۵ یا «دسته قراردادی»^۶ نیز استعمال شده است (اسد زاده و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۲۲).

با شروع مطالعه قراردادهای مرتبط در سال ۱۹۷۰؛^۷ دکتربین حقوقی همواره تلاش بی وقفه ای جهت تثبیت و اختصاص جایگاه ویژه برای این قراردادها در قانون مدنی کشور فرانسه نمود. با کوشش دکتربین، رویه قضائی نیز در برخورد با این قراردادها از تغییر موضع سختگیرانه خود دست برداشت و با پذیرش ارتباط و تاثیر سرنوست قراردادهای مرتبط بر یکدیگر، آرای قابل ملاحظه ای صادر نمود که از جمله آن می توان به ارتباط دو قرارداد بیع و دریافت تسهیلات اشاره نمود.^۸ نتیجه تلاشهای مزبور رفته رفته باعث اختصاص موادی به قراردادهای مرتبط در پروژه های بازنگری قانون مدنی گردید، تا بدینوسیله مقنن مجاب گردد در اصلاحات ۱۰ فوریه ۲۰۱۶ مربوط به حقوق تعهدات، مبحث ویژه ای را به قراردادهای مرتبط اختصاص دهد.

۲-۱. تعریف قراردادهای مرتبط

^۱. La notion de groupement de personnes interdépendentes et groupements de biens.

^۲. Bernard Teyssie.

^۳. Linked Contracts, Connected Contracts, Relational Contracts.

^۴. Network Contract.

^۵. Contractuel Unit.

^۶. Contractuel Set.

^۷. لازم به ذکر است؛ در ابتداء رویه قضایی فرانسه راجع به وابستگی قرارداد اعتبار و قراردادی که به وسیله آن تامین مالی می شود، دچار سرگردانی و تردید بوده است، زیرا برخی با نگاه منطقی و سنتی، نظر به استقلال عقد قرض و بیع داشته و در نتیجه بطلان یا عدم اجرای بیع (عدم تحویل یا معیوب بودن) را بی تاثیر در قرض می دانست. دکتربین حقوقی با این استدلال که چنین وضعیتی ناعادلانه است زیرا با حفظ اعتبار قرض در صورت بطلان بیع، هیچ فایده و نتیجه ای برای مصرف کننده نخواهد داشت، به مخالفت برخاستند. (قدک، ۱۳۷۷، صص ۱۶۴-۱۶۵). رویه قضایی نیز تحت تاثیر مخالفت ها، گاه مواضع سابق را رها ساخته و نوعی ارتباط را پذیرفت. (Cass com, 19 nov, 1974. Cass com, 21 juill. 1975). نتیجه تمام این موارد، قانونگذار فرانسوی را به تصویب دو قانون «اطلاع رسانی به مصرف کنندگان و حمایت از آنها در زمینه برخی عملیات اعتباری» (Loi n°78-22 du 10 janvier 1978 relative à l'information et à la protection des consommateurs dans le domaine de certaines opérations de crédit) در دهم ژانویه ۱۹۷۸ و قانون «اطلاع رسانی و حمایت از دریافت کنندگان تسهیلات در زمینه اموال غیر منقول» (Loi n°78-22 du 10 janvier 1978 relative à l'information et à la protection des consommateurs dans le domaine de certaines opérations de crédit) در ۱۳ ژوئیه ۱۹۷۹، واداشت.

با تکرار این مطلب که نه تنها در قوانین ایران به قراردادهای مرتبط و تعریف آن پرداخته نشده حتی در خود نظام حقوقی فرانسه که منشأ ظهور این پدیده قراردادی بوده نیز، تعریف صریحی از این دسته از قراردادها وجود نداشته بلکه بیشتر کارکرد و آثار آن خصوصا در بحث تاثیر سرنوشت قراردادها بر یکدیگر مورد توجه قرار گرفته است؛ اشاره به موادی که بحث قراردادهای مرتبط پرداخته خالی از فایده نیست.

طرح بازنگری کاتالا (Projet catala, 2002) در ماده ۱۱۷۲ قراردادهای مرتبط را پیش بینی نمود:

«قراردادهای همزمان یا متوالی که در اجرای آن ها، انجام مجموعه ای از اقدامات، که این قراردادها جزئی از آن را تشکیل می دهند، ضروری می باشد».

در ادامه و در مقام تبیین مهم ترین اثر مترتب بر این دسته از قراردادها، بند ۳ ماده ۱۱۷۲، مقرر می دارد:

«چنانچه یکی از قراردادهای وابسته باطل شود، طرفین سایر قراردادهای آن مجموعه می توانند آن را منتفی تلقی نمایند».^۲

طرح اصلاحی فرانسوا تره (Projet Terré, 2009) نیز در بند ۲ ماده ۸۹ به اثر مزبور اشاره نموده و بیان می دارد:

«چنانچه قراردادهایی به منظور عملیات واحد منعقد شده باشند و زوال یکی از آنها، اجرای قرارداد دیگر با غیر ممکن یا بی ثمر کند، عقد منتفی می شود».^۳

در نهایت؛ مقنن در اصلاحات ۲۰۱۶ حقوق تعهدات و قراردادهای فرانسه که در ۲۰ آوریل ۲۰۱۸ به صورت قانون شماره ۲۷۸-۲۰۱۸ تصویب شد؛ بدون تعریف صریح از قراردادهای مرتبط، به تبیین وابستگی قراردادهای مرتبط در مرحله انحلال به عنوان مهم ترین اثر نهاد حقوقی مزبور، به عنوان یک قاعده عمومی پرداخت.

بند ۲ و ۳ ماده ۱۱۸۶ اصلاحات ۲۰۱۶ در این خصوص مقرر می دارد:

¹. L'article 1172: «les contrats concomitants ou successifs nécessaire à la réalisation d'une operation d'ensemble à laquelle ils appartiennent sont regardés comme interdépendants dans la mesure ci-après déterminée».

². Art. 1172-3: Lorsque l'un des contrats interdépendants est atteint de nullité, les prévaloir de leur caducité. parties aux autres contrats du même ensemble peuvent se.

³. Projet Terré, F, (2009): pour une réforme du droit des contrats, 1er éd., Paris: Dalloz, Thèmes et commentaires.

«هنگامی که اجرای چندین قرارداد برای عملیات یک معامله ضروری است و یکی از آن ها منتفی می شود، قراردادهایی که اجرای آن ها با این منتفی شدن غیر ممکن می شوند و آن هایی که اجرای قرارداد منتفی شده، شرط تعیین کننده رضایت طرف است، منتفی می شوند. با وجود این، انتفاء تنها در صورتی اتفاق می افتد که طرف معامله ای که علیه او مورد استناد قرار گرفته است، هنگام اعلام رضایت خود از وجود عملیات کلی، مطلع شده باشد».^۱

با دقت در متن مواد فوق چنین بدست می آید؛ اگرچه قانونگذار در اصلاحات ۲۰۱۶ صراحتاً به تعریف قراردادهای مرتبط نپرداخته، لکن در ضمن بیان مهم ترین اثر مترتب بر این نهاد حقوقی یعنی تاثیر سرنوشت قراردادهای بر یکدیگر، شرایطی برای تحقق عقود مرتبط نیز بیان نموده است. به بیان دیگر شرایط مندرج در بنود ماده فوق الذکر، برخی ناظر به تحقق قراردادهای مرتبط بوده و زمانی که با فرض وجود شرایط مزبور، مجموعه قراردادی شکل گرفت، در صورت تحقق شرایطی دیگر، زوال یک قرارداد می تواند سایر قراردادها را متاثر نماید.

از نظر ماده مزبور شرایط تحقق مجموعه قراردادی عبارت است از: ۱. وجود چندین قرارداد (حداقل دو قرارداد). ۲. وجود یک عملیات کلی که «... اجرای چندین قرارداد برای آن ضروری است».^۳ وابستگی بین قراردادهای یک مجموعه.^۳

تا بدین جا مشخص گردید؛ برای تحقق نهاد قراردادهای مرتبط، الزاماً دو یا چند قرارداد وجود دارد که علی الظاهر هر کدام به نحو مستقل از یکدیگر انشاء می گردند، لکن از نظر حقوقی، بدون تردید تنها ویژگی که عقود مرتبط را از سایر موارد متمایز می سازد، ویژگی «ارتباط» و «وابستگی» می باشد، که در ماده اخیر الذکر نیز بدان اشاره رفت. وابستگی در حقوق سنتی ایران در رابطه حقوقی عقد و شرط ضمن آن مصداق پیدا می کند که اجمالاً ماهیت و آثار آن روشن می باشد، لکن وابستگی

^۱. Article 1186: «un contrat valablement formé devient caduc si l'un de ses éléments essentiels disparaît. Lorsque l'exécution de plusieurs contrats est nécessaire à la réalisation d'une même opération et que l'un d'eux disparaît, sont caducs les contrats dont l'exécution est rendue impossible par cette disparition et ceux pour lesquels l'exécution du contrat disparu était une condition déterminante du consentement d'une partie.

La caducité n'intervient toutefois que si le contractant contre lequel elle est invoquée connaissait l'existence de l'opération d'ensemble lorsqu'il a donné son consentement».

^۲. از نظر قانونگذار فرانسه، عملیات کلی عبارت است از هدف واحدی که تمامی قراردادهای مجموعه تحقق آن را دنبال می نمایند به طوری که قراردادهای مزبور، مستقل از یکدیگر هیچ معنایی نخواهند داشت. (Deshayes, Olivier; Genicon, Thomas, Laithier, Yves-). (Marie, 2018, p 349).

^۳. تردیدی نخواهد بود که شرط مزبور، اساسی ترین شرط برای تحقق قراردادهای مرتبط است، زیرا تمام مباحث مربوط درخصوص قراردادهای مرتبط حول محور همین عنصر «ارتباط» و «وابستگی» می چرخد به طوری که بدون وجود آن و تعیین حدود و ثغورش، صحبت کردن از قراردادهای مرتبط یا مجموعه های قراردادی معنا نخواهد داشت.

بین دو یا چند قرارداد مستقل، با وابستگی فوق متفاوت بوده و گونه های مختلفی برای آن متصور است.^۱ همان طور که اشاره گردید، بنظر می رسد برای رسیدن به وجود وابستگی بین دو عقد مختلف، وجود یک نقطه اشتراک ضروریست. ارتباط و اشتراک بین دو عقد، از دو منشا سرچشمه می گیرد: اشتراک در موضوع یا هدف.

در حالت نخست، دو یا چند عقد، در موضوع مشترکند؛ بدین معنی که تمام عقود بر روی یک موضوع منعقد شده اند. به عنوان مثال اگر چند عقد بیع متعدد و متوالی بر روی یک عین معین، در نظر گرفته شود، بین آن ها نوعی وابستگی وجود دارد، که از آن به زنجیره های قراردادی تعبیر می شود. در زنجیره های قراردادی، قراردادها به لحاظ اشتراک در موضوع (Objet commun) به یکدیگر پیوند خورده و وابسته شده اند. زنجیره قراردادی به عنوان یکی از مصادیق گروه های قراردادی در معنای عام الشمول آن، می تواند متشکل از دو یا چند قرارداد باشد که این قراردادها، بر خلاف مجموعه قراردادی هدف یکسانی نداشته بلکه موضوع یکسانی موجب پیوند آنها را یکدیگر شده است. ماهیت و اطراف تشکیل دهنده یک زنجیره می تواند متفاوت^۲ و یا یکسان^۳ باشد.

در حالت دوم، یعنی اشتراک چند قرارداد در هدف، به واسطه هدف اقتصادی غایی و مشترک، بین قراردادها، نوعی ارتباط ایجاد می شود و بدین جهت قراردادها به یکدیگر وابسته می شوند. در چنین حالتی با قراردادهای مرتبط رو به رو بوده و یک مجموعه قراردادی (Les ensembles de contrats) تشکیل می شود. در عقود مرتبط و مجموعه های قراردادی به عنوان موضوع مقاله حاضر بر خلاف زنجیره های قراردادی، این ارتباط بین عقود ناشی از هدف مشترک یا به عبارتی هدف غایی از انعقاد جمیع عقود است. این هدف مشترک در حقیقت علت غایی از انعقاد مجموعه قراردادها می باشد.

^۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص انواع وابستگی قراردادی (وابستگی یکطرفه و وابستگی متقابل) و تفاوت آن دو از حیث آثار، همچنین معیار تحقق وابستگی قراردادهای مرتبط در حقوق فرانسه، به ترتیب رجوع شود به: قذک، ۱۳۷۷، صص ۱۵۸-۱۵۹؛ بیگدلی و اصائلو، ۱۴۰۲، صص ۶۱۹-۶۲۰؛ سعیدی و محمد حسنی، ۱۴۰۳، صص ۱۶۰-۱۶۱.

^۲. که از آن به زنجیره های قراردادی ناهمگون تعبیر می شود (Heterogeneous Agreements, in French: Chaînes de contrats hétérogènes)؛ مانند قرارداد ساخت و قرارداد تهیه مواد اولیه برای ایجاد موضوعی واحد و مشخص؛ همان طور که معلوم است در این مثال، قراردادهای تشکیل دهنده زنجیره قراردادی، دارای ماهیت متفاوت می باشند. «قرارداد ساخت» یا به تعبیر فقهی «عقد استصناع» یک عقد نامعین بوده که بر مبنای ادله ای همچون «اوفوا بالعقود» و «المومنون عند شروطهم» و همچنین ماده ۱۰ قانون مدنی عقدی مشروع و مورد توجه قانونگذار است (خاکساریان، ۱۴۰۱، ص ۲۵۲). «قرارداد تهیه مواد اولیه» نیز دارای ماهیتی متفاوت و تحت عنوان «اجاره اشخاص» گنجانده می شود.

^۳. که از آن به زنجیره های قراردادی همگون تعبیر می شود (Homogeneous Agreements, in French: Chaînes de contrats homogènes)؛ مانند قراردادهای متوالی فروش که در آن ها موضوع واحدی از شخص اول به شخص دوم و از ایشان به اشخاص بعدی منتقل می شود. همان طور که در مثال فوق اشاره شد تمامی قراردادها در این زنجیره از حیث ماهیت مبتنی بر عقد بیع می باشند.

بنابراین؛ اگرچه منطقی بین شروط تحقق قراردادهای مرتبط که بیان گردید و شرایط تحقق تاثیر انحلال یک قرارداد بر سایر قراردادهای مرتبط،^۱ از منظر قانونگذار فرانسه و بناء به ماده ۱۱۸۶ اصلاحی ۲۰۱۶، تفکیک نمودیم، لکن بدین لحاظ که دکترین و رویه قضایی فرانسه به مهم ترین اثر مترتب بر قراردادهای مرتبط یعنی تاثیر انحلال یکی از قراردادها بر سایرین پرداخته، مقنن نیز همین روی همین اثر مزبور تاکید داشته، لذا بدین جهت تعریف صریحی از قراردادهای مرتبط نداشته و شروط بیان شده برای تحقق قراردادهای مرتبط نیز تحت شعاع اثر مزبور قرار گرفته اند. اما هیچ دلیلی وجود نداشته تا اثر قراردادهای مرتبط، محدود به اثر مزبور گردد، بلکه آنچه مهم است، ارتباط بین دو یا چند قرارداد است آن هم بواسطه اشتراک در هدف نهایی از انعقاد جمیع این قراردادها، لذا به صرف ارتباط، می توان حکم به تحقق نهاد قراردادهای مرتبط نمود، سپس بر مبنای حدود و ثغور ارتباط مزبور، به استخراج احکام و آثار این قراردادها پرداخت.

به جهات پیش گفته، برخی از حقوقدانان ایرانی در تعریف قراردادهای مرتبط بیان داشته اند:

«مجموعه ای از قراردادها که برای رفع نیاز و رسیدن به یک هدف واحد به طور جداگانه و بین طرفین واحد یا متفاوت منعقد گشته است، به گونه ای که هر کدام در برخی موارد یا به طور کلی با یکدیگر ارتباط مستقیم پیدا نموده و بر یکدیگر تاثیر می گذارند» (گنجی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۲۷).

برخی دیگر از حقوقدانان داخلی نیز در تعریف عقود مرتبط بیان داشته؛ در این دسته از قراردادها، عقود مختلفی در کنار یکدیگر جمع شده و یک مجموعه قراردادی را تشکیل داده به نحوی که هر یک از قراردادهای این مجموعه برخی از راه رسیدن به هدف اصلی و غایی را تامین می کند و سرانجام مجموع این کوره راهها منتهی به بزرگراه و سرمنزل مقصود می گردد (کریم پور آلهاشم، ۱۴۰۱، ص ۱۳۴).

قراردادهای مرتبط، قبل از این که دارای یک واقعیت حقوقی و اعتباری باشد، واقعیتی حقیقی و اقتصادی دارد. به همین جهت؛ اگرچه در قوانین ایران، قراردادهای مرتبط مورد تعریف مقنن قرار نگرفته، لکن بعد از شناخت ماهیت این دسته از عقود و مفهوم آن با در نظر گرفتن نظام حقوقی فرانسه به عنوان کشوری که مبدا ظهور این پدیده حقوقی بوده، ملاحظه خواهد شد در مواردی قانونگذار کشورمان نیز از جمله در قرارداد صکوک استصناع، افسست و بیع متقابل سازوکار عقود مزبور استفاده نموده است. منشا ارتباط مذکور را در وهله اول باید در اقتصاد قرارداد جستجو نمود زیرا این نیازهای اقتصادی است که اشخاص را به سمت و سوی انعقاد چند عقد مختلف برای رسیدن به اهداف مدنظر خود متمایل می سازد. در حقیقت؛ نظر به تحولات، عمق یافتن مسائل روز بشری و همچنین پیشرفت های شگرف در دانش فنی و علوم روز دنیا، نیازهای اقتصادی

^۱. شروط مزبور با توجه به ماده ۱۱۸۶ قانون مدنی فرانسه اصلاحات ۲۰۱۶، عبارتند از: انحلال یکی از قراردادهای مرتبط و علم بوجود عملیات کلی از ناحیه طرف یا اطراف سایر قراردادها.

اشخاص نیز پا به پای این تحولات شکل های جدیدی به خود گرفته است به نحوی که به کمک حقوقدانان، باعث خلق پدیده های نوین قراردادی و از جمله قراردادهای مرتبط گردیده است (آریان کیا، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷).

بناء به جمیع آنچه بیان شد، در تعریف قراردادهای مرتبط در حقوق ایران باید بیان نمود: دو یا چند قرارداد هستند که بین اطراف واحد یا مختلف و به نحو مستقل منعقد گردیده، لکن بواسطه اشتراک در هدف نهایی آنها از انعقاد، اعم از آن که با انتفاء یک قرارداد، سایر قراردادها از حیث مادی قابلیت اجرا داشته باشند یا نداشته باشند، به یکدیگر ارتباط پیدا می نمایند.

بکاربردن قید «استقلال» در تعریف فوق باعث خروج قراردادهایی که وجود مستقل نداشته و از حیث شرایط انعقاد و نفوذ تابع قرارداد دیگری می باشند بمانند عقود مستقلی که بواسطه اراده طرفین در قالب شرط ضمن عقد می گنجد یا عقود وثیقه ای و از جمله عقد ضمان، می شود.

۱.۳. مبانی قراردادهای مرتبط

نوعی وابستگی میان قراردادهای یک مجموعه قراردادی وجود داشته و مقاصد و اهداف اقتصادی اشخاص در صورتی تامین می گردد که وابستگی اقتصادی مذکور، به جهان حقوق نیز راه یافته و با اثرات ایجابی یا سلبی خود، بر روابط اطراف عقود مرتبط حکومت نماید. بدیهی است ترتب آثار حقوقی بر وابستگی منظور اشخاص، در صورتی امکان پذیر است که آن را بر یک ماهیت یا وضعیت حقوقی که قانونا موجد اثر است، تطبیق نماییم. در اینصورت منای حقوقی خود را روشن یافته و وابستگی عقود مرتبط به یکدیگر، اثرات خود را در مرحله تشکیل، اجرا و انحلال عقود تشکیل دهنده مجموعه قراردادی نمایان می سازد.^۱ در این خصوص نظرات متعددی بیان شده که به طور اجمال به آن ها پرداخته و نقد و بررسی می نمائیم:

۱.۳.۱. مفهوم موضوع عقد

برخی برای توجیه وابستگی قراردادهای یکدیگر، به مفهوم «موضوع عقد» استناد جسته اند که در بند ۳ ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی فرانسه (قدیم)^۲ و به تبع آن در قانون مدنی ایران، از شرایط اساسی صحت معامله شمرده شده است. در فقه نیز عوضین از ارکان عقود معاوضی محسوب می گردد. علی رغم ظاهر بدیهی، نظرات متنوعی در خصوص موضوع عقد وجود دارد و گاه آن را با موضوع تعهد یکسان یا متمایز می دانند. در لغت موضوع، اسم مفعول از ریشه «وضع» و به معنای «گذاشته شده، نهاده» می باشد.

^۱. این امر، خود موضوع مقاله ای مستقل است که در آن به تاثیر وابستگی قراردادهای مرتبط، در سه مرحله، تشکیل و انعقاد، آثار و انحلال پرداخته می شود؛ امری که در مقاله های موجود مورد بررسی قرار نگرفته و بلکه صرفا به مرحله انحلال توجه شده است.

^۲. Article 1108 : Quatre conditions sont essentielles pour la validité d'une convention: Le consentement de la partie qui s'oblige ; Sa capacité de contracter ; Un objet certain qui forme la matière de l'engagement ; Une cause licite dans l'obligation.

گاه نیز مترادف موضع و به معنای جایگاه و محل گذاشتن و نهادن چیزی استعمال می گردد. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، واژه موضع)

در حقوق فرانسه، قانون مدنی موضوع را گاه به عقد و گاه به تعهد نسبت می دهد،^۱ اما حقوقدانان بر خلط قانونگذار تأکید دارند. برخی حقوقدانان فرانسوی عقد را فاقد موضوع دانسته و آن را به تعهد محدود می کنند که عبارت از تادیه مال یا عمل است، (Mazeaud, Prec, T.2, N.231.) در حالی که منتقدان بر ضرورت موضوع برای عقد به عنوان محل آثار حقوقی اصرار ورزیده و تمایز بین معنای مصدری و محصولی عقد را برجسته می سازند. (شهیدی، ۱۴۰۲، ج ۱، ش ۲۳۳) در حقوق ایران، قانون مدنی (بند ۳ ماده ۱۹۰ و مواد ۲۱۴ تا ۲۱۶) مورد معامله را مال یا عمل می شمارد. این تعبیر مورد نقد قرار گرفته؛ برخی موضوع را محل تحقق اثر عقد تعریف کرده و آن را در عقود مالی مال یا عمل و در عقود غیر مالی اشخاص می داند، بدون تمایز بین موضوع عقد و تعهد. (همان، ش ۲۳۲) در مقابل، برخی دیگر با تمایز قائل شدن بین موضوع عقد و تعهد، موضوع عقد را مجموعه عملیات حقوقی مانند مبادله عوضین در اجاره می داند که پیوند متقابل تعهدات را تأمین می کند. ایشان جهت اثبات ادعای خود بصورت پراکنده استدلالاتی بیان نموده که خلاصه آن بدین شرح است: ۱- اگر عقد به تراضی مبنای تعهد گفته شود و از اسباب آن به شمار آید، بی گمان بایستی موضوع آن دو نیز جدای از هم باشد. ۲- گاه موضوع عقد از سوی قانونگذار منع می شود در حالی که مورد تعهدها بصورت جداگانه مشروع است. ۳- تعهدات قراردادی گاه موضوع قصد انشا نبوده و در پوشش تعبیر اراده و آثار عقد به طرفین تحمیل می شود؛ پس چگونه می توان ادعا کرد در خصوص تعهداتی که موضوع توافق نبوده، موضوع عقد و تعهد یکسان است؟ (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۲، ش ۳۸۰) در نتیجه آنچه در مواد ۲۱۴ تا ۲۱۶ ق.م.زیر عنوان مورد معامله بیان شده در واقع مورد تعهد است که به اعتبار ارتباط با عقد به نام سبب تعهد خوانده می شود.

¹ . Art. 1126.- Tout contrat a pour objet une chose qu'une partie s'oblige à donner, ou qu'une partie s'oblige à faire ou à ne pas faire.

Art. 1127. Le simple usage ou la simple possession d'une chose peut être, comme la chose même, l'objet du contrat.

Art. 1128.- Il n'y a que les choses qui sont dans le commerce qui puissent être l'objet des conventions.

Art. 1129.- Il faut que l'obligation ait pour objet une chose au moins déterminée quant à son espèce.

La quotité de la chose peut être incertaine, pourvu qu'elle puisse être déterminée.

Art. 1130.- Les choses futures peuvent être l'objet d'une obligation.

On ne peut cependant renoncer à une succession non ouverte, ni faire aucune stipulation sur une pareille succession, même avec le consentement de celui de la succession duquel il s'agit.

بنظر می رسد ریشه اختلاف را باید لابلای مباحث مطروحه ذیل مبحث تعریف عمل حقوقی و تعلیق قرارداد جستجو نمود. دکتر شهیدی سه مفهوم انشا، منشا و اثر را تفکیک نموده و اعتقاد پیدا نموده، عقد در معنای مصدری خود همان قصد انشا که آخرین مرحله تکوین اراده است بوده و موجب پیدایش ماهیتی اعتباری که عقد به معنای محصولی ست، می گردد. قانونگذار بر این ماهیت حقوقی نظیر بیع و اجاره، آثار حقوقی را مترتب نموده و البته این آثار نظیر تملیک و تعهد نمی تواند مستقیما مورد انشا طرفین قرار گیرد. بنابراین طرفین ماهیت اعتباری را انشا کرده و ترتیب آثار بر ماهیت حقوقی در صلاحیت قانونگذار است. (شهیدی، ۱۴۰۲، ج ۱، ش ۱۷، ۳۸ و ۴۵) اما دکتر کاتوزیان با حذف عقد به معنای محصولی بعنوان واسطه بین انشا و اثر، معتقدند، طرفین با قصد انشایی خود، آثار حقوقی را انشا می نمایند. (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ج ۱، ش ۲۵ و ۲۷) بدیهی ست هرگاه عقد به معنای انشا طرفین در نظر گرفته شود، مال یا عمل را نمی توان موضوع آن دانست و حتی دکتر شهیدی نیز موضوع عقد به معنای مصدری را ماهیت اعتباری ایجاد شده می داند. (همان، ش ۲۶۴) به همین جهت دکتر کاتوزیان با اطلاق موضوع عقد به مال یا عمل مخالفت نموده و شیوه ق.م. را نادرست خوانده است. بنابراین در صورتی که نادرستی تعلق انشا به آثار عقد و لزوم وجود یک ماهیت اعتباری بین انشا و اثر عقد مفروض انگاشته شود، نظر مرحوم شهیدی اقوی و ضعف استدلال مخالف عیان می گردد.

همان طور که بیان شد، برخی مفهوم موضوع عقد را به عنوان مبنا بر شمرده اند. (آریان کیا، ۱۳۸۷، ۱۲۹) به عنوان مثال شخص «الف» با یک بیمارستان قراردادی مبنی بر انجام گرمایش بیمارستان منعقد می نماید. متعاقبا «الف» جهت تمهید مقدمات اجرای تعهد خود، قرارداد خرید گاز را با شرکت گاز منعقد کرده و بدین ترتیب، دو قرارداد اخیر که در راستای رسیدن به هدف واحدی منعقد شده، یک مجموعه قراردادی را شکل می دهد. در این خصوص چنین اظهار نظر شده که می توان تصور نمود قرارداد اول (انجام گرمایش بیمارستان) موضوع قرارداد دوم (خرید گاز) بوده و در نتیجه در صورت بطلان عقد اول، قرارداد دوم هم فاقد موضوع می گردد. لکن این نظریه مورد اقبال دکتربین حقوقی و رویه قضایی قرار نگرفته و به جهات ذیل قابل انتقاد است: اول آنکه؛ موضوع عقد یا تعهد بعنوان شرط اساسی صحت عقد، عبارتست از مال یا عملی که محل تحقق اثر عقد فرض می شود. در نتیجه در مثال فوق، در قرارداد اول «انجام گرمایش» بعنوان یک عمل و «مبلغ مورد تعهد بیمارستان» بعنوان مال و در قرارداد دوم هم «گاز» و «مبلغ مورد تعهد الف» به عنوان مال موضوع قرارداد می باشد. نتیجه منطقی این تحلیل آن است که هرگاه مورد عقد وجود نداشته یا به دلیل فقدان شرایط قانونی مورد معامله کالعدم تصور شود، عقد مربوط به همان موضوع باطل خواهد بود. کما اینکه قانون مدنی ایران در ماده ۳۶۱ مقرر می دارد: «اگر در بیع عین معین معلوم شود که مبیع وجود نداشته بیع باطل است». با این وضع، مشخص نیست چگونه یک ماهیت اعتباری و عقد، موضوع عقد دیگری تلقی شده است! طبیعتا قرارداد «انجام گرمایش بیمارستان» را بعنوان یک ماهیت اعتباری، نمی توان محل ثبوت اثر قرارداد «خرید گاز» دانست، زیرا اثر قرارداد دوم در دو مال یعنی (گاز) و (مبلغی وجه رایج) متجلی گشته و به آن تعلق گرفته است. می توان در مواردی تصور نمود که یک ماهیت اعتباری موضوع عقد دیگری باشد؛ مانند اینکه «الف» در برابر «ب» متعهد به انعقاد بیع در

آینده گردد. در این مثال می توان موضوع تعهد «الف» را ماهیت اعتباری بیع آینده دانست، همانگونه که قبلا موضوع عقد به معنای مصدری را ماهیت اعتباری و منشا دانستیم. اما تفاوت بین ایندو واضح و روشن است زیرا در مثال اخیر، اساسا تعهد «الف» به ایجاد بیع آینده تعلق گرفته، در حالی که در مثال اصلی، تعهد شخص «الف»، به انجام گرمایش بیمارستان که عملی خارجی و مادی می باشد، تعلق گرفته است. نمی توان ایراد نمود که لازمه عرفی و عادی تعهد «الف» در قرارداد اول (انجام گرمایش بیمارستان)، خرید گاز از شرکت گاز بوده و به مثال تعهد به بیع قیاس گردد؛ زیرا بر فرض قبول چنین تعهدی، این عقد دوم است که موضوع عقد اول قرار می گیرد در حالی که مطلوب و مقصود مستدل، آن است که عقد اول موضوع عقد اول قرار گیرد. توضیح اینکه هرگاه به واسطه قبول چنین تعهد ضمنی، بپذیریم که قرارداد خرید گاز موضوع عقد اول بوده، نتیجه آن بطلان قرارداد اول (انجام گرمایش بیمارستان) در فرض بطلان قرارداد دوم (خرید گاز) خواهد بود. حال آنکه چنین نتیجه ای مقصود و مطلوب طرفین عقد اول نبوده و وابستگی در طرف معکوس مطلوب است.

دوم آنکه؛ حتی بر فرض پذیرش دیدگاه حقوقدانانی که موضوع عقد را در عقود معاوضی عبارت از مبادله دو مال یا تعهد بصورت متقابل دانسته و بدین طریق وابستگی بین تعهدات متقابل را تامین کرده اند، بپذیریم و آن را شرط صحت عقد محسوب نماییم؛ باز هم نمی توان از این مفهوم، مبنایی برای وابستگی عقود مرتبط استخراج نمود، زیرا در گروه های قراردادی با چند قرارداد مجزا روبرو هستیم و اشتراک در موضوع یا هدف، باعث ایجاد ماهیت اعتباری دیگری که قراردادهای گروه در آن جمع شده و موضوع عقدی دیگر را تشکیل دهند، نمی گردد. پرواضح و روشن است که موضوع عقد و لو به معنای مجموعه عملیات و مبادلات حقوقی موضوع انشا طرفین، هر چند نوعی وابستگی متقابل بین تعهدات داخل در همان عقد بوجود آورده، بنحوی که انتفاء یکی از عوضین موجب انتفاء دیگری می شود، (کاتوزیان، ۱۳۹۶، ج ۱، ش ۱۹؛ همو، ۱۳۷۴، ج ۱، ش ۷۲؛ شهیدی، ۱۴۰۲، ج ۱، ش ۴۹) لیکن این مفهوم هیچ دلالتی بر وابستگی یک عقد و ماهیت اعتباری به عقد دیگر ندارد و صرفا رابطه عوض و معوض را در داخل همان عقد بیان می دارد.

سوم آنکه؛ مفهوم موضوع عقد رکن یا شرط صحت اساسی معامله شمرده شده و ناظر به مرحله تشکیل عقد است، به نحوی که فقدان آن موجب بطلان عقد شده و هرگز عقدی در عالم اعتبار، پا به عرصه روابط حقوقی نمی گذارد. بنابراین آثار سلبی مفهوم وابستگی پس از تشکیل عقد به صورت صحیح و در مرحله اجرا مانند آنکه در صورت انحلال قرارداد انجام گرمایش بیمارستان، قرارداد خرید گاز نیز منتفی گردد را توجیه نمی کند. این ایراد در قسمت تاثیر انحلال یک عقد بر عقد وابسته خود، صائب بنظر می رسد. شاید به همین جهات است که این تحلیل مورد اقبال حقوقدانان و رویه قضایی فرانسه قرار نگرفته آریان کیا، ۱۳۸۷، ص ۱۳۰) و با توجه به نکات یاد شده، برای تحلیل مفهوم وابستگی نمی توان به مفهوم موضوع تکیه کرده و باید در پی مفهوم دیگری بود.

تئوری علت (سبب) تعهد یا عقد، در نظام حقوقی کشورهای نظیر فرانسه، نقش بنیادینی در حقوق تعهدات و قراردادهای ایفا کرده و مناقشات حقوقی فراوانی را برانگیخته است. این مفهوم، نقشی انکارناپذیر در رویه قضایی فرانسه داشته و به دلیل فقدان یا نامشروع بودن علت، قراردادهای باطل اعلام شده‌اند. نویسندگان قانون مدنی فرانسه، در بند ۴ ماده ۱۱۰۸، «علت مشروع در انجام تعهد» را شرط اساسی صحت قرارداد معرفی کرده^۱ و مقرر می‌داشتند تعهد بدون علت، یا مبتنی بر علت اشتباه یا نامشروع، اثری نخواهد داشت. با این حال، در اصلاحات جدید قانون مدنی فرانسه (۲۰۱۶)، مواد مربوط به علت تعهد حذف شده و ماده ۱۱۲۸^۲، «محتوای مشروع و معین» را جایگزین آن کرده است. با وجود حذف رسمی، برخی حقوقدانان همچنان به بقای ضمنی این تئوری در نظام حقوقی فرانسه معتقدند. (هاشمی، ۱۴۰۱، ص ۳۹) در قانون مدنی ایران، قانونگذار در بند ۴ ماده ۱۹۰، «مشروعیت جهت معامله» را از شرایط اساسی صحت دانسته و در ماده ۲۱۷ ق.م. تصریح می‌کند که اگر جهت معامله تصریح شده باشد، باید مشروع باشد، در غیر این صورت معامله باطل است.

تعاریف ارائه شده از علت در حقوق ایران، عمدتاً با نظریه تقلیدی حقوق فرانسه (علت غایی) برابری می‌کنند. در حقوق ایران این بحث مطرح است که آیا «مشروعیت جهت معامله» (مواد ۱۹۰ و ۲۱۷ ق.م.) ناظر به علت تعهد (Cause) است یا داعی و انگیزه شخصی (Motif). گروهی، به دلیل وجود نظریه موضوع، طرح تئوری علت را در ایران بیهوده می‌دانند و قائل به یگانگی علت و موضوع هستند. (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۵۹؛ محقق داماد و دیگران، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲) در این خصوص برخی دیگر از صاحب نظران؛ حتی مواد ۱۹۰ (بند چهارم) و ۲۱۷ قانون مدنی را ناظر به تئوری علت (cause) دانسته و یا اینکه حداقل این نظریه را از مواد مزبور قابل استنباط می‌دانند و در این خصوص بیان می‌نمایند: تمایل غالب حقوقدانان این است که «جهت» را معادل کلمه «داعی» یعنی Motif دانسته اند. در حالی که از نظر ایشان: «جهت معامله در مورد هر یک از متعاملین آن نتیجه ای است که از اراده طرف دیگر با عقد قرارداد برای طرف مقابل حاصل می‌شود و همین عامل سبب می‌شود هر یک از طرفین برابر طرف دیگر تعهدی را بر عهده گیرد». این معنی از «جهت» معنایی است که اکثریت حقوقدانان ایرانی برای علت و سبب بیان داشته اند که خصوصاً مفاد آن با نظریه تقلیدی یکسان است. اما آنچه معادل واژه Motif قرار می‌گیرد از منظر ایشان: انگیزه خاصی بوده که در هر معامله کننده و هر تعهدی با توجه به مقتضیات هر زمانی متفاوت بوده و اساساً معلوم بودن آن الزامی نداشته و در صورت تصریح به آن یا برداشت آن از اوضاع و احوال، صرفاً قاضی بایستی در رسیدگی خود به آن توجه نماید. (سلجوقی، ۱۳۵۷، صص ۶۴-۶۵)

^۱ . **Article 1108** : Quatre conditions sont essentielles pour la validité d'une convention: Le consentement de la partie qui s'oblige ; Sa capacité de contracter ; Un objet certain qui forme la matière de l'engagement ; Une cause licite dans l'obligation.

^۲ . Art. 1128.- Il n'y a que les choses qui sont dans le commerce qui puissent être l'objet des conventions.

یکی از کاربردهای مهم تئوری علت، توجیه وابستگی عقود مرتبط (مجموعه قراردادی) است. در حقوق فرانسه، به خصوص تئوری علت شخصی (جهت قرارداد)، به عنوان مبنایی برای همبستگی عقود مرتبط تلقی شده است، زیرا هدف واحدی که قراردادها در راستای آن منعقد شده‌اند، در انگیزه شخصی قابل کنکاش است. رویه قضایی فرانسه در مواردی به این مفهوم استناد کرده و بطلان یک قرارداد را به دلیل غیرممکن شدن هدف نهایی از مجموعه قراردادها، موجب بطلان قرارداد دیگر دانسته است. با این حال، منتقدین معتقدند علت باید در مرحله انعقاد وجود داشته باشد، نه اجرای قرارداد. در پاسخ به این نقد، تئوری‌هایی مانند علت تدریجی مطرح شده که بیان می‌کند حضور علت با اجرای تدریجی قرارداد لازم است و فقدان آن در هر زمان، قرارداد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (آریان کیا، ۱۳۸۷، ص ۱۳۳) در حقوق ایران، با وجود مفهوم قصد انشاء، پذیرش تئوری علت نوعی توجیهی ندارد. همچنین، تئوری جهت (انگیزه شخصی) نیز به عنوان مبنای وابستگی قراردادها مرتبط قابل پذیرش نیست، زیرا مقنن ایران تنها در صورت نامشروع بودن انگیزه به آن توجه می‌کند. با این حال، رضایت طرفین برای انعقاد قراردادها که بر مبنای تحقق هدف نهایی (مانند تأمین گرمایش بیمارستان) شکل گرفته است، می‌تواند بر قصد انشاء تأثیر بگذارد و در صورت ورود به قلمرو تراضی، دارای آثار حقوقی باشد.

۱.۳.۳. مفهوم تقسیم ناپذیری

در حقوق فرانسه، تجزیه ناپذیری به عنوان یکی از «مدالیت‌ها» در حقوق تعهدات مطرح است؛ مدالیت عارضه‌ای است که منجر به تغییر در تعهد می‌شود، به نحوی که یک تعهد قابل تجزیه را به تعهدی غیرقابل تجزیه تبدیل می‌سازد. (یزدانیان، ۱۳۹۹، ص ۲۲) دمولن، حقوقدان قرن شانزدهم، تعهدات تجزیه ناپذیر را به دو دسته تقسیم کرد: تجزیه ناپذیری واقعی یا طبیعی (به لحاظ طبیعت خاص موضوع) و تجزیه ناپذیری توافقی یا قراردادی (بر اساس اراده صریح یا ضمنی طرفین). (به نقل از: سنهوری، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۳۶۱) تجزیه ناپذیری تعهدات، در ضمن مواد ۱۲۱۷ تا ۱۲۲۵ قانون مدنی فرانسه ۱۸۰۴ مطرح گردیده که پس از اصلاحات ۱۰ فوریه ۲۰۱۶، به نوعی تمامی مفاد این مواد در ذیل ماده ۱۳۲۱ در کنار یکدیگر و در یک ماده تجمیع یافت.

قانونگذار فرانسه صراحتاً به وابستگی مجموعه‌های قراردادی نپرداخته، بلکه این مبنا (همچون سایر مبنای وابستگی) توسط دکترین حقوقی و رویه قضایی برای توجیه همبستگی مجموعه قراردادها به کار رفته است. تحلیل استناد به این مفهوم بر این پایه استوار است که هدف از انعقاد چندین قرارداد متعدد در یک مجموعه (مثلاً استخراج معدن)، نیل به یک هدف واحد است. تحقق این هدف واحد منوط به تشکیل قانونی و اجرای کامل و به موقع تمامی قراردادهای تشکیل دهنده مجموعه است.

¹. Article 1320: Chacun des créanciers d'une obligation à prestation indivisible, par nature ou par contrat, peut en exiger et en recevoir le paiement intégral, sauf à rendre compte aux autres; mais il ne peut seul disposer de la créance ni recevoir le prix au lieu de la chose. Chacun des débiteurs d'une telle obligation en est tenu pour le tout; mais il a ses recours en contribution contre les autres. Il en va de même pour chacun des successeurs de ces créanciers et débiteurs.

بنابراین، هرگونه خدشه در اعتبار یا نقض یکی از قراردادهای، بر سایرین تأثیر گذاشته و کلیت مجموعه را مخدوش می‌سازد، لذا مجموعه به منزله یک کل تجزیه‌ناپذیر تلقی می‌شود. (آریان کیا، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵)

اساس این وابستگی، بر تجزیه‌ناپذیری توافقی (ناشی از اراده طرفین) استوار است. این اراده می‌تواند صریح یا ضمنی باشد. در صورت عدم وجود اراده صریح، این مقام قضایی است که با توجه به اوضاع و احوال سایر قرائن و امارات بایستی در مقام تبیین اراده طرفین بر آید. در صورتی که این اراده را اولاً از سوی طرف یا اطراف تعیین کننده محرز دانست و ثانیاً بر فرض احراز آن، ورود آن در قلمرو تراضی را نیز احراز نمود، بر اساس این مفهوم حکم به عدم استقلال و پیوسته‌ناگستنی قراردادهای یک مجموعه بدهد. از نظر نویسندگان در فرض اخیر، وجود هر دو شرط الزامی است؛ وجود شرط اول که بدیهی است زیرا با توجه به تقسیم بندی صورت گرفته برای تعهدات تجزیه‌ناپذیر، تجزیه‌ناپذیری طبیعی و قانونی در ما نحن فیه منتفی بوده و صرفاً باید عدم تقسیم‌ناپذیری قراردادهای یک مجموعه را بر اساس ملاک همان تجزیه‌ناپذیری تعهدات، در اراده طرفین جست و جو نمود. اما وجود شرط دوم، به این دلیل است که در صورتی که اراده محرز شود، وجود اراده از سوی طرف یا اطراف تعیین کننده و اصلی که جهت رسیدن به هدف واحد مساعی خویش را بکار گرفته اند؛ محسوس بوده لکن سایر اطراف شاید اساساً از این هدف و در نتیجه قبول ضمنی وابستگی، اطلاع نداشته لذا اثبات ورود آن در قلمرو تراضی از سوی طرف یا اطراف تعیین کننده ضروری است.

۱.۳.۴. مفهوم شرط (تعليق)

استفاده از مکانیسم شرط، حال چه به صورت تعلیق در انحلال و چه به صورت تعلیق تشکیل عقد، به طرفین یک قرارداد این امکان را اعطاء می‌نماید که تمامی آن چیزی را که از علت‌های دور و یا نزدیک در نظر دارند، وارد قلمرو تراضی کرده و به آن این جنبه را اعطاء نمایند. به عنوان مثال استخراج یک معدن نیاز به انعقاد قراردادهای متعددی دارد که چه بسا عدد این قراردادها که به نوعی همگی به جهت کلی عملیات استخراج، انعقاد پیدا می‌نمایند، بیش از ده ها قرارداد باشد. از جمله قراردادهای متعدد پیمانکاری، قراردادهای متعدد حمل و نقل، بیمه، تامین مصالح و..... استفاده از مکانیسم مزبور به این نحو است که در تمامی قراردادهای منعقد شده جهت رسیدن به هدف واحد که همان عملیات استخراج معدن باشد، از ناحیه اشخاص به بیان فوق، این امکان وجود دارد که تشکیل هر یک از قراردادهای مزبور را منوط به تشکیل سایر قراردادهای مورد نیاز یا شرایط مد نظر و مجوز های لازم و... نمود تا بعد از تشکیل آخرین قرارداد و صدور مجوز های لازم، حدوث جمیع این موارد به منزله

تحقق معلق علیه، موجب تشکیل یا تنجز جملگی قراردادهای منعقد گردد. همچنین؛ استفاده از شرط فاسخ، شاید به نوعی هدف مزبور را بهتر تامین نماید، به این دلیل که در مواقعی نیاز به تشکیل قرارداد و ایجاد تعهدهای لازم و انجام آن از سوی اشخاص به عنوان عملیات های مقدماتی هستیم، در این صورت با درج شرط فاسخ در هر یک از قراردادهای مزبور، این امکان وجود دارد، در صورتی که به هر دلیل عملیات نهایی انجام نگیرد و به تناسب موضوع مزبور به عنوان معلق علیه که ممکن است عدم تشکیل یک قرارداد یا عدم صدور مجوز های لازم باشد، را به عنوان شرط فاسخ درج نماییم، تا با عدم تحقق آن معلق علیه (به نحو سلبی - ماده ۱۱۷۷ قانون مدنی ۱۸۰۴ فرانسه ناظر به قسمت اخیر ماده ۱۱۷۶)^۱ و یا حتی تحقق امر خاصی به عنوان معلق علیه (به نحو ایجابی - به عنوان در صورت لغو مجوز عملیات استخراج - قسمت نخست ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی ۱۸۰۴ فرانسه ناظر به قسمت اخیر همین ماده)، هر یک از قراردادهایی که شرط مزبور در آنها وجود داشته، انحلال پیدا نماید.

مطلبی که توجه به آن می تواند مبنای وابستگی قراردادهای مرتبط را توجیه نماید؛ نحوه ارتباط معلق علیه با عقد است. (یزدانیان، ۱۳۸۸، صص ۱۵۳-۱۵۵) بدین صورت که گاهی اوقات طرفین، تعلیق در تشکیل یا انحلال عقد را مورد تصریح قرار می دهند. اما در مواقعی، طرفین به این مطلب تصریح نمی نمایند، اعم از آنکه قبل از عقد و در مذاکرات مقدماتی در خصوص آن صحبت نموده و سپس بر مبنای آن به انعقاد عقد مبادرت نمایند (ضمنی بنایی) یا اینکه بدون صراحت و بدون مذاکره در خصوص آن در قبل از انعقاد عقد، امر مزبور به لحاظ انس ذهنی جامعه در عرف معهود بوده یا از اوضاع و احوال و سایر قرائن و امارات، مفادش قابل استنباط باشد (ضمنی عرفی). (صابریان، ۱۳۸۸، صص ۲۰-۲۱) در فرض تصریح که وضعیت روشن است؛ اما در دو فرض اخیر، لزوم توجیه وابستگی قراردادهای مرتبط، بیشتر نمود پیدا نمود که در صورت احراز آن توسط مقام قضایی، می تواند به عنوان مبنای وابستگی قراردادهای مرتبط مورد توجه قرار گیرد.

۱.۳.۵. مفهوم عقد تبعی

^۱ . Art. 1176.- Lorsqu'une obligation est contractée sous la condition qu'un événement arrivera dans un temps fixe, cette condition est censée défaillie lorsque le temps est expiré sans que l'événement soit arrivé. S'il n'y a point de temps fixe, la condition peut toujours être accomplie; et elle n'est censée défaillie que lorsqu'il est devenu certain que l'événement n'arrivera pas.

Art. 1177.- Lorsqu'une obligation est contractée sous la condition qu'un événement n'arrivera pas dans un temps fixe, cette condition est accomplie lorsque ce temps est expiré sans que l'événement soit arrivé elle l'est également. si avant le terme il est certain que l'événement n'arrivera pas et s'il n'y a pas de temps déterminé, elle n'est accomplie que lorsqu'il est certain que l'événement n'arrivera pas.

مفهوم عقد تبعی و معیارهای آن، در مصادیق خاص خود، می‌تواند به عنوان مبنایی برای توجیه وابستگی قراردادهای مرتبط مورد استفاده قرار گیرد. به عنوان مثال؛ هنگامی که شخصی برای اخذ وام از بانک اقدام می‌کند و بانک مطالبه ضامن می‌نماید، عقد ضمان و عقد اصلی (قرض) یک مجموعه قراردادی را تشکیل می‌دهند. در این مثال، عقد ضمان، عقدی تبعی بوده و تحقق آن فرع بر وجود دین و صحت عقد قرض است. نتیجه این وابستگی آن است که در صورت انتفای عقد قرض، عقد ضمان نیز از بین خواهد رفت.

اشاره به معیار تبعیت برای تبعی تلقی کردن یک عقد (تبعیت عقد تبعی از تعهد پایه)، امری ضروری جلوه می‌نماید. از این حیث و به طور کلی دو نظریه مطرح است: ۱. معیار ذهنی: مطابق معیار مزبور، آنچه مبنای تبعیت عقد تبعی از تعهد پایه را تشکیل می‌دهد، اراده طرفین است. این طرفین عقد تبعی هستند که با اراده خود تصمیم به این گرفتند که ماهیتی حقوقی را انشاء نمایند، که از تعهد پایه تبعیت نماید؛ لذا اصلی‌ترین اثر معیار مزبور این است که طرفین می‌توانند، نحوه تبعیت در مراحل مختلف حیات حقوقی عقد تبعی از اجراء تا انحلال آن را تعیین نمایند، تعهداتی بیشتر یا کمتر از آنچه در تعهد پایه وجود داشته، اراده نمایند و... ۲. معیار عینی: این نظریه بر این بیان استوار است که، اراده طرفین عقد تبعی در اصل تبعیت، نحوه و شرایط آن دخالتی نداشته، بلکه صرفاً در تحقق ماهیت حقوقی مزبور اراده طرفین دخالت دارد و با انشای قرارداد مزبور، موضوع تعهد از حیث وجود، میزان و شرایط انعقاد و آثار و انحلال بر عقد تبعی، تحمیل می‌گردد. به عبارت دیگر، اراده به تنهایی و بدون وجود تعهد پایه به عنوان موضوع عقد تبعی، فاقد موضوع بوده و نمی‌تواند مبنای ایجاد تبعیت قرار گرفته و همین‌طور بر فرض ایجاد، با از بین رفتن موضوع، نمی‌تواند به حیات حقوقی خود ادامه داده بلکه با انتقای موضوع از بین خواهد رفت. (صادقی مقدم و شکوهی زاده، ۱۳۸۹، صص ۵۵ - ۵۷)

همان‌طور که بیان گردید؛ معیار مزبور نیز در مصادیق خاص خود می‌تواند به عنوان مبنایی برای توجیه وابستگی قراردادهای مرتبط مورد توجه قرار گیرد. به عنوان مثال اگر شخص «الف» قصد وام گرفتن از بانک را داشته و بانک از او مطالبه ضامن می‌کند، در اینجا عقد ضمان - که با عقد اصلی (عقد قرض) یک مجموعه قراردادی را تشکیل می‌دهد - عقدی تبعی بوده و تحقق آن فرع بر وجود دین و صحت عقد قرض است. لذا با انتفای عقد قرض، عقد ضمان نیز از بین خواهد رفت. همچنین، در میان برخی از قراردادهای یک مجموعه قراردادی این مفهوم می‌تواند تبیین‌کننده مفهوم وابستگی قرار گیرد بدین شرح که: برای عملیات استخراج معدن (هدف نهایی مجموعه قراردادی اصلی)، یک قرارداد با شرکت پیمانکاری منعقد می‌گردد که در آن قرارداد، شرکت پیمانکاری متعهد به ساخت چندین کارخانه فرآوری می‌گردد، شرکت نامبرده برای انجام تعهد خود (هدف نهایی مجموعه قراردادی فرعی)، با صد هزار نفر نیروی کار قرارداد منعقد می‌نماید تا توسط ایشان، کارخانه‌های مزبور احداث گردد. از طرفی برای تامین مصالح با تامین‌کننده قرارداد دیگری منعقد نموده و همچنین ممکن است برای ترسیم نقشه و

طراحی و ... قراردادهای متعدد دیگری که همگی به طور مستقیم ناظر به تعهد اصلی وی می باشند، منعقد نماید. قرارداد مزبور به عنوان یکی از قراردادهای تشکیل دهنده یک مجموعه قراردادی، خود نیز یک مجموعه قراردادی را تشکیل داده است. علی ای حال تمامی قراردادهای منعقد از سوی شرکت پیمانکاری حتی قرارداد بیمه و حمل و نقل نیروی کار، ماهیت مستقلی نداشته و به نوعی همگی برای تامین تعهد اصلی شرکت پیمانکاری به ساخت کارخانه منعقد گردیده است؛ اگرچه تمسک به معیار عینی به علت پیچیدگی و تعدد موضوعات تکلف داشته اما بر مبنای معیار ذهنی؛ وجود تبعیت مزبور، در انعقاد هر یک از قراردادی منعقد از سوی شرکت پیمانکاری به عنوان قراردادهای تبعی، به خوبی تبیین کننده این وابستگی بین قراردادها در مرحله اعتبار خواهد بود و با توجه به آنچه در توضیح معیار ذهنی بیان شد، حدود این وابستگی در تمام مراحل حیات حقوقی هر یک از قراردادهای تبعی، به اراده اشخاص تشکیل دهنده آن قرارداد بستگی خواهد داشت. در فرض مزبور ناچار به ترسیم رابطه تبعیت یک طرفه خواهیم بود که این رابطه نیز بر مبنای معیار ذهنی قابل توجیه است، زیرا از بین رفتن تعهد پایه، موجب از بین رفتن سایر تعهدات خواهد گردید در حالی که عکس آن، صحیح نخواهد بود. (به نقل از: بیگدلی و اصانلو، ۱۴۰۲، ص ۶۱۷) اجرای تمامی قراردادهای تبعی، تعهد اصلی شرکت پیمانکاری را محقق نموده و از این حیث این رابطه بر مبنای هر کدام از معیارهای عینی و ذهنی می تواند، دوجانبه تلقی شود.

۲. عقد مرکب (مختلط) در حقوق ایران

در خصوص عقد مرکب بر خلاف قراردادهای مرتبط، تعاریف متعددی از سوی دکترین حقوقی در حقوق ایران مطرح گردیده است. ابتداء تعاریف مزبور را ذکر کرده و سپس بعد از بررسی ماهیت قرارداد مزبور، تعریف نهایی خود از عقد مرکب را ارائه خواهیم نمود:

۲-۱. تعریف عقد مرکب (مختلط) در حقوق ایران

در خصوص تعریف عقد مرکب (مرکب)، از سوی صاحب نظران و حقوقدانان تعاریف نسبتاً مشابهی ارائه گردیده است. یکی از نویسندگان در تعریف عقد مختلط (مرکب) بیان می دارد:

«عقد مختلط عقدی است که از ترکیب دو یا چند عقد ساده تشکیل شود. مثلاً معاملات اقساطی نوعی عقد مختلط

مرکب از بیع و اجاره است» (امیری قائم مقامی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۸۳).

تعریف مزبور بسیار کلی بوده و در حقیقت رابطه عقود مزبور در آن تبیین نگردیده است. به تعریف مزبور ایرادات متعددی وارد است. تعریف مزبور، مانع اغیار نیست؛ زیرا از یک طرف شامل عقد و شرط ضمن آن در صورتی که شرط مزبور از حیث ماهیت خود عقد باشد، می شود مثل اینکه در ضمن عقد بیع، وکیل شدن خریدار از ناحیه فروشنده به صورت شرط نتیجه درج گردد. از طرف دیگر، شامل عقود مرتبط بناء به آنچه تعریف آن گذشت نیز می شود. همچنین تعریف مزبور، شامل مواردی که ضمن یک انشای واحد، چندین عقد منعقد می گردد نیز می شود در صورتی که هیچ اختلاف نظری وجود ندارد که این امر باعث مرکب تلقی شدن عقود مزبور نمی گردد، بلکه صرفاً طرفین ضمن یک انشاء چنین اراده نموده که چندین ماهیت

حقوقی را ایجاد نمایند. اشکال دیگر این است که تعریف مزبور، جامع افراد معرف نیست؛ زیرا مطابق آنچه بیان خواهد شد، مصداق حقیقی عقد مرکب را در بر نمی گیرد. همچنین، مراد از عقد «ساده» نیز مشخص نیست، آیا مراد از آن در مقابل عقد مرکب است؟ در این صورت؛ تعریف مزبور «تعریف شی بنفسه» و «دوری» می باشد، زیرا ساده تلقی کردن عقد، فرع بر شناخت عقد مرکب می باشد، از این جهت، معرف نه تنها اجلی از معرف نبوده و تغایر مفهومی بین این دو نیست، بلکه فرع بر شناخت آن است که باعث دوری بودن تعریف مزبور می گردد. در خصوص تطبیق مثال «معاملات اقساطی» بر عقد مرکب نیز، جای تردید وجود دارد، زیرا در معاملات اقساطی و از جمله بیع اقساطی که در بند «۱» ماده ۷۳ کنوانسیون بیع بین المللی کالا نیز پیش بینی شده است، با یک عقد بیع بیشتر مواجه نیستیم. اگر مراد از «معاملات اقساطی»، قراردادهای منعقد در قالب «اجاره به تملیک» می باشد نیز، در جای خود ثابت شده است که معامله مزبور از حیث ماهیت اجاره بوده و صرفاً متضمن شرط فعل یا نتیجه مبنی بر انتقال مالکیت از موجر به مستاجر با پرداختن تمام اجاره بهاء و عمل به تکالیف مقرر از ناحیه مستاجر می باشد. (تفرشی و وحدتی شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۹؛ بهبانی، تقریرات خارج فقه، مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۰۱؛ اشرفی شاهرودی، خارج فقه، مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۹). اشکال دیگر نیز به این مطلب بر می گردد که، در تشکیل عقد مرکب الزاماً نیازی نیست چند عقد ساده با یکدیگر ترکیب شوند، هیچ دلیلی وجود ندارد که عقد مختلط از ترکیب دو یا چند عقد مختلط با یکدیگر یا از ترکیب عقد مختلط با دو یا چند عقد ساده بوجود نیاید.

برخی دیگر از حقوقدانان، عقد مختلط (مرکب) را این چنین تعریف می نمایند:

«بر طبق اصل حاکمیت اراده، اشخاص می توانند در حدود قانون به هر صورت که مایلند تراضی کنند و هرنامی را که می خواهند بر آن بگذارند. این اختیار سبب شده است که گاه چندین عمل حقوقی معین به صورت قرارداد خاصی در آید، چنانکه با کمی دقت معلوم می شود که گروهی از عقود غیر معین نتیجه اختلاط و ترکیب دو یا چند عقد معین است».

ایشان به نقل از «مازو»، قرارداد اقامت در مهمانخانه را مخلوطی از اجاره اشیاء (از جهت مسکن) و اجاره اشخاص (از جهت پذیرایی و خدمات) و بیع (از جهت فروش غذا) و ودیعه (از جهت نگاهداری اشیاء همراه مسافر) می دانند و قرارداد بستری شدن در بیمارستان خصوصی یا قراردادی که جهانگردان با شرکتهای مسافربری می بندند را مصادیقی از این عقود تلقی می نمایند (کاتوزیان، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۹۷؛ به نقل از: Mazcaud, Préc, N. ۱۱۲ Ripert et Boulanger, Dr.civ. T. ۲, ۱۴۰۱، ص ۹۷؛ به نقل از: N. ۸۹)، مطابق این نظر؛ نتیجه اختلاط و ترکیب دو یا چند عقد، ایجاد ماهیت جدیدی را در پی داشته که طبیعتاً به این دلیل که در قوانین مورد نامگذاری قرار نگرفته و احکام و شرایط آن تبیین نگردیده، عقدی بی نام یا نامعین است. نتیجه این تحلیل، اضمحلال هر یک از عقود مزبور و در نتیجه تشکیل یک عقد جدید است، زیرا در غیر این صورت، یعنی در صورتی که هر یک از عقود، تشخیص خود را حفظ نماید و در عین حال، ترکیب آن با عقود دیگر، باعث تشکیل و ایجاد یک عقد بی نام یا نامعین گردد، ایرادات عمده ای را در بردارد؛ به عنوان مثال، ممکن است چندین عقد جائز و لازم با یکدیگر ترکیب شوند، در صورت قول به حفظ تشخیص هر یک از عقود و در عین حال ایجاد یک عقد نامعین، از طرفی عقد مزبور بر اساس ماهیت مستقل خود، جائز بوده و از طرف دیگر ترکیب آن با سایر عقود موجب ایجاد یک عقد نامعین مستقل و مرکب گردیده که به موجب اصالة لزوم و ماده ۲۱۹ قانون مدنی، باید حکم به لزوم آن نمود.

لازم به ذکر است، در تعریف مزبور به لزوم ترکیب و اختلاط چند عقد «معین» اشاره شده، در حالی که هیچ دلیلی بر این انحصار وجود ندارد، بلکه ممکن است ترکیب عقود ناظر به اختلاط چند عقد معین و نامعین باشد (خورسندیان و شیور، ۱۳۹۰، ص ۸۹).

برخی دیگر (شهیدی، حقوق مدنی - ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۱۲؛ به نقل از: Mazcaud, Préc, N.۱۱۲ Ripert et Boulangere, Dr.civ. T.۲, N.۸۹)، ضمن اشاره به دو قرارداد چاپ و اقامت در هتل؛ اختلاط عقود معین و تشکیل عقد غیر معین مستقل را با توجه به مقررات کلی مربوط به قراردادها و تحلیل حقوقی، در حقوق ایران و فرانسه ناصحیح دانسته و بیان می دارند: هرگز نمی توان از مخلوط دو یا چند عقد ماهیت مرکبی را با آثار و احکام جدای از آثار و احکام (هریک از عقود مخلوط شده) تصور کرد، بلکه در حقیقت در این موارد چند عقد و چند ماهیت جداگانه با یک ایجاب و قبول و یا گاهی با انشاء های جداگانه ایجاد می شود. ایشان در مقام استدلال چنین بیان می نمایند:

«این ماهیت ها عناصر مادی نیستند تا همانند تخم مرغ و شکر و آرد، بتوان آنها را در هم زد و مخلوط آنها ماهیتی جداگانه به وجود آورد و قانون نیز ماهیت مخلوطی از دو یا چند عقد از عقود معین طراحی نکرده است».

ایشان عقد مرکب را صرفاً در قالب نظریه شرط ضمن عقد قبول نموده و در بین این عقود، هر کدام را که عرفاً مهم تر و اساسی تر بوده را موضوع عقد اصلی دانسته و سایر موضوعات را در قالب شرط ضمن عقد معرفی می نماید.

برخی دیگر از حقوقدانان نیز بعد از بیان تقسیم عقود مختلط (مرکب)، به ترکیب ارادی و غیر ارادی (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۶) و بیان صور برای هر کدام از این دو نوع (همو، ۱۳۸۶، ج ۴، صص ۴۷-۵۱) در تعریف این عقد بیان می نمایند: «عبارت از عقدی است که که اثر چند عقد را دارد مثلاً بزازی که ده متر پارچه را در مقابل نقاشی ساختمان معینی به شخص نقاش می فروشد، ثمن این بیع کار مشتری است پس این بیع هم اثر بیع را دارد و هم اجاره»

ایشان تقسیم عقود به ساده و مختلط را تنها از روی آثار عقد صورت داده اند. یکی از محققین نیز بعد از بیان تعاریف فوق، عقد مختلط را این چنین تعریف می نماید:

«هرگاه در عقدی واحد، عقود متعدد و مختلف به گونه ای ترکیب و امتزاج یابند که استقلال خویش را از دست دهند و تمامی آنها ماهیتی واحد را تشکیل دهند عقد مرکب به وجود آمده است» (خورسندیان و شیور، پیشین، ص ۸۹). تعاریف مزبور؛ همگی دارای ایرادات متعددی می باشند که ضمن تحلیل ماهیت عقود مرکب به آنها اشاره می نمائیم.

۲-۲. تحلیل ماهیت عقد مرکب (مختلط) در حقوق ایران

برای تحلیل ماهیت عقد مرکب، توجه به پیشینه آن ضرورت دارد. در حقوق فرانسه بین دو فرض تفکیک وجود داشته و بین حقوقدانان فرانسوی در خصوص اختلاط هر یک از دو نوع، اختلافاتی مشاهده می شود. یکی از موارد جایی است که عقود مختلط از چند قرارداد تشکیل شده بدون اینکه ترکیب قراردادها ماهیت جدیدی را ایجاد نماید؛ در خصوص این گونه قراردادی بعضی از نویسندگان معتقدند قرارداد مختلط چیزی غیر از قرار گرفتن دو یا چند عقد معین در کنار یکدیگر نیست.

(Fréchtete, p, 2008. P 85) این دسته از نویسندگان زمانی ترکیب عقود مختلف را موجب پدید آمدن عقد مختلط می دانند که در آنها ادغام صورت نگیرد و به یک عقد غیر معین تبدیل نشوند. بعضی دیگر نیز معتقدند، دیدگاه مطرح شده نا صحیح بوده، بلکه باید بیان داشت عقود مختلط عقودی هستند که قراردادهای بی نام را ایجاد می نمایند و دارای هویت مستقل نسبت به اجزای خود می باشند (Henry, x, 1992, p1354).

در حقوق ایران، در این موارد که در واقع قرارداد از تعهدات مختلفی تشکیل شده است، در صورتی که بتوان تعهدات موجود در قرارداد را درجه بندی نمود و برخی جنبه اصلی و ما بقی تعهدات را فرع بر تعهد اصلی دانست؛ در این صورت قرارداد ماهیت تعهدی را می پذیرد که عنصر اصلی قرارداد را تشکیل می دهد و بایستی رابطه بین عقد و شرط را بر آن بار نماییم (شهیدی، پیشین، ص ۱۱۲). در این مورد قاضی بایستی با توجه به قاعده «تبعیت فرع از اصل»، ماهیت قرارداد مزبور را از حیث نوع توصیف نماید (منصوری و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۵۱). بدیهی ست مطابق این تحلیل، در موارد، باطل یا نا ممکن شدن تعهد اصلی یا استتکاف متعهد از انجام دادن آن، تمام عقد متأثر شده و حسب مورد عقد را باطل یا غیرنافذ می گرداند؛ اما اگر تعهدهای فرعی چنین حالتی بیابند، عقد اصلی صحیح و برای متعهد له خیار تخلف شرط به وجود می آید (محقق داماد و همکاران، ۱۳۷۹، ج ۱، صص ۱۹۵-۱۹۶).

بنابراین در موارد مذکور عقد مزبور عقدی بسیط بوده، زیرا رابطه عقود متعدد به صورت وحدت مطلوب می باشد، در حالی که در جایی با عقد مختلط رو به رو هستیم که رابطه بین عقود به صورت تعدد مطلوب باشد؛ معیار وحدت مطلوب رابطه «تبعیت» است، یعنی اگر برخی از عقود نسبت به سایر جنبه تبعیت داشته باشند با وحدت مطلوب رو به رو هستیم (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۲، ش ۱۲۸۰). در هر صورت بایستی بین صورتی که طرفین عقود متعددی را در عقد واحد انشاء می نمایند و بین صورتی که عقد واحد انشاء شده دارای لوازم و تبعاتی است که از آثار عقد محسوب می شود، تفکیک نمود. در مواردی عقود مختلف به گونه ای هستند که تمام تعهدات ناشی از آنها در عرض یکدیگر هستند به طوری که هدف متعاقبین دو یا چند تعهد ناشی از عقد است؛ در واقع ضمن انشای واحد یا انشای متعدد، ماهیت های متعددی انشاء شده است، بنابراین بایستی مقررات اختصاصی هر یک از عقود اجراء شده و بدیهی است که بطلان یا فسخ هر یک از عقود بر دیگری تاثیر نداشته الا اینکه آشکار گردد که اراده طرفین تقید یک عقد به عقد دیگر بوده به طوری که با فسخ یا بطلان یکی از عقود، عقد دیگر نیز مورد اراده و خواست طرف نبوده باشد.

مورد دیگر که هیچ اختلافی بین حقوقدانان فرانسوی در ماهیت اختلاطی آن وجود نداشته (منصوری و همکاران، پیشین، ص ۵۳)، عبارت است از جایی که عقود اعم از معین یا نامعین طوری با یکدیگر اختلاط شده و در واقع اراده طرفین اینطور شکل گرفته که برای رسیدن به اهداف معینی اقدام به اختلاط و ترکیب عقود با همدیگر و تشکیل عقدی مستقل می نمایند و هدف آنها از این اختلاط جهت رسیدن به اهداف مختلف هر یک از عقود موضوع عقد مختلط (مرکب) نیست؛ هر چند می توانند چنین امری را نیز اراده نمایند (کریم پور آلهاشم، پیشین، ص ۱۳۳). برای عقد مختلط (مرکب) به معنای فوق، مصادیق متعددی از جمله «قرارداد مهمانسرا» و «قرارداد اشتراک تلفن پس پرداخت» (قنبر زاده و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۲۸۴) تعرفه

گردیده است؛ اگرچه تلقی عقود مزبور به عنوان مصداقی برای عقد مختلط با اشکال مواجه خواهد بود که مختصراً به آن اشاره خواهیم نمود.

در اینگونه موارد؛ باطل یا ناممکن شدن هر یک از بخشهای مهم عقد که تاثیر مستقیم در عملی ساختن موضوع عقد دارد، بر کل عقد تاثیر می گذارد. در این موارد قصد طرفین به مجموع عقد تعلق گرفته به طوری که اگر بخشی از عقد بخواهد تنفیذ گردد، از قصد و رضای طرفین تخلف می شود و این عمل با قاعده «العقود تابعه للقصود» تنافی خواهد داشت.

برخی از نویسندگان با اشاره به این مطلب که عقد مختلط (مرکب) دارای سابقه و پیشینه در فقه نبوده و تقسیم عقد به ساده و مختلط در کلام فقها بعمل نیامده است، بیان می فرمایند: با مراجعه به اقوال فقها میتوان رگه هایی از این عقود یافت و از این جهت در صدد ذکر مصداقی برای عقد مختلط در فقه می باشند (خورسندیان و شنیور، پیشین، صص ۸۹-۹۰). از جمله مصداقی این عقود که در کلام فقها بدان اشاره شده است، عبارتند از: عقد مضاربه که آن را ترکیبی از عقود شرکت، ودیعه و کالت میدانند (جبعی العاملی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۳۴۴، نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۶، ص ۳۳۸). برخی معاطات را عقدی بی نام مرکب از اباحه و تملیک دانسته اند (انصاری، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۹۰).

به نظر می رسد در مصداقی فوق و مصداقی که از ناحیه حقوقدانان در این خصوص مورد اشاره قرار گرفت، با عقد مختلط به معنی پیش گفته مواجه نیستیم، زیرا در موارد بیان شده یا بسیاری از موارد دیگر، طرفین صرفاً یک عقد را انشاء نموده اند نه ترکیبی از چند عقد را (منصوری و همکاران، پیشین، ص ۵۷)، صرف اینکه یک عقد دارای آثار متعدد باشد، باعث مختلط تلقی شدن آن نخواهد بود، زیرا آثار عقود صرفاً بسیط نبوده و صرف وجود آثار متعدد و تجزیه پذیری آثار عقد، دلالت بر تجزیه آن عقد به چند عقد مختلف نخواهد بود. این طرز تلقی مخالف اراده طرفین و اصول حقوقی قراردادها می باشد (کریم پور آلهاشم، پیشین، ص ۱۳۳). بنابراین مصداق عینی عقد مختلط را در مواردی باید جستجو نمود که طرفین ضمن ترکیب چند عقد اعم از معین یا نامعین، با اراده خود و بر مبنای اصل آزادی اراده؛ خواست خود را در اختلاط دو یا چند عقد دانسته به طوری که این عقود طوری با هم ترکیب گردیده که ماهیت جدیدی را بوجود آورند و دارای شخصیت مستقلی گردند؛ قواعد ناظر بر آن به عنوان یک عقد نامعین بر اساس قواعد عمومی تحلیل گردیده و نیاز به شرایط اختصاصی هر یک از عقود تشکیل دهنده نباشد.

بعد از بیان مباحث فوق؛ اینک بایستی نظریات مطرح شده در خصوص ماهیت عقد مختلط (مرکب) را مورد توجه قرار داد. در این خصوص نظریات متعددی از سوی حقوقدانان ارائه شده است که در ذیل به آنها خواهیم پرداخت:

۱-۲-۲. انحلال عقد مرکب به عقود متعدد

در فقه امامیه قاعده ای تحت عنوان «قاعده انحلال» (بجنوردی و همکاران، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۱۴۴) یا «العقد ینحل الی العقود» وجود دارد؛ در حقوق کنونی این قاعده تحت عنوان «تجزیه پذیری قراردادها» (ماه پروری، ۱۳۹۶، ص ۳) مطرح می گردد.

مطابق این قاعده، یک عقد در حکم عقود متعدد است و می توان یک عقد را به عقود متعدد منحل نمود. برخی حقوقدانان، در تعریف نظریه «انحلال عقد واحد به عقود متعدد» بیان می نمایند: این قاعده در جایی است که عقدی که به حسب ظاهر یکی است به عقود متعدد تجزیه شود و آثار چند عقد مستقل را دارا باشد. همچنین ممکن است یک ایقاع نیز به چند ایقاع تجزیه شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰، ج ۱، ش ۱۳۹۰).

نتیجه کاربرد این قاعده در عقد مختلط (مرکب) این خواهد بود که عقود مرکب به عقود متعدد و مختلفی تجزیه شده و هر عقد، احکام خاص و آثار مستقل از سایر عقود را خواهد داشت. لذا بناء به این نظریه در عقد مهمانسرا به عنوان یکی از مصادیق عقد مختلط (مرکب)؛ قرارداد صاحب مهمان سرا با مسافران نسبت به مواد خوراکی، بیع و نسبت به البسه و وسایل مسافر، ودیعه و نسبت به سکونت در محل اجاره است.

تحلیل فوق قابل پذیرش نمی باشد، زیرا مصاف بر اینکه قاعده مزبور ناظر به جایی است که عقد واحد (زینلی گلابی، ۱۳۸۶، ص ۶۵) به عقود متعدد از جنس خودش تجزیه شود و منصرف از موردی است که عقد به عقود متفاوت منحل شود (خو رسندیان و شنور، پیشین، ص ۹۴) در مباحث فوق بیان گردید که عقد مختلط (مرکب) بناء به تعریف ارائه شده، لزوما در جایی با آن رو به رو هستیم که از ترکیب و اختلاط چند عقد با یکدیگر ماهیت مستقلی ایجاد شده که دارای تشخص و هویت مستقل است؛ لذا بر مبنای عمو مات ادله فقهی از جمله آیه «وفوا بالعقود»^۱ و «تجاره عن تراض»^۲ و حدیث «المسلمون»، «اصاله الصحه» در فقه و در حقوق، اصل «آزادی قراردادی»؛^۳ اقتضای آزادی اشخاص در انتخاب «شکل» و «محتوی»، «نوع» قرارداد و... دارد و با مانعی از قبیل «نظم عمومی»، «قواعد آمره» و «اخلاق حسنه» نیز برخورد ننموده است؛ این ماهیت به عنوان یک «عقد نامعین» باید با توجه به قواعد عمومی قراردادها مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد و اساسا نیازی به بررسی شرایط اختصاصی عقود تشکیل دهنده نخواهد بود.

بنابراین با وحدت به وجود آمده بین اجزای عقد مرکب و تشخص آن، قصد و رضای طرفین به مجموع این عقد تعلق گرفته؛ تجزیه آن و یا اعتبار قسمی از آن و عدم اعتبار قسمی دیگر، بر خلاف قصد و رضای طرفین بوده و با قاعده «العقود تابعه للقصود» تنافی خواهد داشت.

۲-۲-۲. عقد صلح

۱. سوره مائده، آیه ۱.

۲. سوره نساء، آیه ۲۹.

۳. ماده ۱۰ قانون مدنی ایران و ماده ۱۱۰۲ اصلاحات ۲۰۱۶ حقوق تعهدات فرانسه.

Article 1102: Chacun est libre de contracter ou de ne pas contracter, de choisir son cocontractant et de déterminer le contenu et la forme du contrat dans les limites fixées par la loi. La liberté contractuelle ne permet pas de déroger aux règles qui intéressent l'ordre public.

بر طبق این تحلیل، عقود متعددی که در عقد مختلط (مرکب) وجود دارد را باید بر مبنای عقد صلح تحلیل نمود؛ چون آنچه که صورت پذیرفته آمیزه ای از چند مستقل نبوده بلکه واحد است که به لحاظ وسعت موضوع عقد صلح و به عنوان قالبی برای ریختن هر ماهیت حقوقی در آن، بر مبنای این عقد میتوان آن را تحلیل نمود.

این تحلیل نیز منطقی به نظر نمی رسد؛ زیرا اراده طرفین به عنوان عنصر سازنده و تشکیل دهنده ماهیت های حقوقی، نه صراحتاً و نه ضمناً به این امر تعلق نگرفته است. اراده طرفین تشکیل عقد مرکب مستقل بوده و نمیتوان تکلفاً عنوان صلح را بر آن بار نمود؛ بلکه ماهیت ایجاد شده بر مبنای ماده ۱۰ قانون مدنی به عنوان یک قرارداد نا معین بایستی تحلیل شود و الا ماده مزبور لغو خواهد بود.

۲-۲-۳. عقد مستقل

مطابق این تحلیل که در مباحث فوق به طور مکرر بیان شد؛ عقد مرکب عقدی مستقل و دارای تشخص و هویت ممتاز از عقود تشکیل دهنده آن بوده و دارای احکام و آثار خاص خود می باشد. در بیان ادله جهت پذیرش صحت این عقود مضافاً بر عمومات ادله فقهی و اصولی از جمله اصالة الصلحه که بیان شد، سیره جاری عقلاء نیز بر پذیرش این عقود دلالت دارد. اراده طرفین به یک عنوان جامع که دارای آثار عقود متعددی است به صورت وحدت مطلوب تعلق گرفته است به طوری که از تجمع چند ماهیت حقوقی و اختلاط آنها، پدیده آمدن یک ماهیت مستقل را انشاء نموده اند تا به عنوان مثال ضمن دسترسی به تمام آثار این عقود به طور یکجا و در کنار هم، از برخی تکلفات و شرایط اختصاصی ناظر به هر یک از عقود خود را رها سازند.

نظر به جمیع مطالب شده در این این قسمت، همچنین با توجه به تعریف عقد مختلط و توجه به اراده طرفین و تفسیر آن؛ دیدگاه فوق دیدگاه قابل پذیرشی می باشد.

۳. تحلیل ماهیت قراردادهای مرتبط و عقد مرکب (مختلط) در حقوق ایران

۳-۱. ماهیت عقد مرکب (مختلط) در حقوق ایران

نظر به جمیع مراتب بیان شده و بر مبنای تحلیل ما از عقد مرکب، همان طور که بیان گردید؛ خصیصه بارز این ماهیت حقوقی این است که دارای استقلال و شخصیت خاص می باشد. در واقع طرفین در پرتو اصل آزادی اراده ضمن انشای واحد یا چند انشاء گوناگون نظر به ترکیب عقود داشته به نحوی که عقود جزء فقط از باب ملازمه با کل موجودیت داشته و ماهیت ایجاد شده دارای یک ماهیت خاص و مستقل بوده و یک عقد نامعین را تشکیل میدهد (کاتوزیان، پیشین، ص ۹۸). لذا آثار اختصاصی هر یک از عقود تشکیل دهنده عقد مرکب بر هر کدام از این عقود مترتب نخواهد شد و بایستی عقد مزبور مستقل از اجزاء را در پرتو قواعد عمومی قراردادها تحلیل و بررسی کرد. در اینگونه موارد، باطل یا ناممکن شدن هر یک از بخشهای مهم عقد که

تأثیر مستقیم در عملی ساختن موضوع عقد دارد، بر کل عقد تأثیر می گذارد. در این موارد قصد طرفین به مجموع عقد تعلق گرفته به طوری که اگر بخشی از عقد بخواهد تنفیذ گردد، از قصد و رضای طرفین تخلف می شود و این عمل با قاعده «العقود تابعه للقصود» تنافی خواهد داشت.

برخی از حقوقدانان (کاتوزیان، پیشین، ص ۹۸) اگرچه به موجب اصل حاکمیت اراده، برای متعاقدين این امکان را شناخته که با ترکیب چند عقد معین (و یا حتی غیر معین)، قرارداد خاصی را ایجاد نمایند که از اجزای تشکیل دهنده خود مستقل بوده، لکن در بیان مصادیق، کمتر به اراده طرفین توجه نموده و با مثالهایی از جمله قرارداد اقامت در مهمانخانه، به نوعی در پی تحمیل امر فوق، بر اراده اشخاص می باشند. بدیهی است که لا اقل در بسیاری از موارد اساساً طرفین به اینکه چند عقد را با یکدیگر ترکیب نموده و ماهیتی جدید را انشاء نمایند، نظر نداشته بلکه مستقیماً قصد انعقاد عقدی نا معین را نموده که دارای آثار و تعهدات متعددی بوده و لو اینکه که هر کدام به تنهایی توانایی تشکیل موضوع عقد خاصی را داشته که از موضوع بحث دارای خروج موضوعی می باشد.

بنابراین بدون اراده طرفین و لو اراده ضمنی ایشان که قابل احراز باشد، به صرف وجود آثار متعدد و آمیزه ای از چند عقد، نمی توان به مختلط بودن عقد مزبور حکم نمود. بلکه در صورت احراز تعلق قصد طرفین به انعقاد یک ماهیت با آثار متعدد و خاص، با یک عقد نامعین مواجه بوده که از این حیث با عقد مختلط که خود نیز قراردادی نا معین بوده یکی است و صرفاً از حیث نحوه تعلق قصد با یکدیگر دارای تفاوت می باشند. در صورت عدم احراز موارد فوق و به صرف وجود آثار متعدد و آمیزه ای از چند عقد، در صورت وجود اثر اصلی و جوهری، عقد مزبور بر اساس همان مورد تحلیل قرار گرفته و قواعد مربوط به آن اجراء خواهد گردید (خوئسندیان و شنیر، پیشین، ص ۱۰۸)، در صورتی که تعهدات مزبور در عرض یکدیگر قرار گیرند، در واقع متعاقدين، ضمن انشای واحد یا انشای متعدد ماهیت های متعددی را اراده نموده اند، بنابراین بایستی مقررات اختصاصی هر یک از عقود اجراء شده و بدیهی است که بطلان یا فسخ هر یک از عقود بر دیگری تأثیر نداشته الا اینکه آشکار گردد که اراده طرفین تقیید یک عقد به عقد دیگر بوده به طوری که با فسخ یا بطلان یکی از عقود، عقد دیگر نیز مورد اراده و خواست طرف نبوده باشد.

۲-۳. ماهیت قراردادهای مرتبط در حقوق ایران

در قراردادهای مرتبط، قضیه کاملاً عکس آنچه در عقد مختلط یا مرکب بیان شد، بوده بدین شرح که: در این دسته از عقود، هر یک از قراردادهای تشکیل دهنده یک مجموعه، هویت و استقلال خویش را حفظ نموده و صرفاً به علت اشتراک در هدف و نظر به این مطلب که اجرای هدف مذکور در گرو انعقاد عقود مرتبط و اجرای آنهاست، بین این عقود پیوند و وابستگی ایجاد می شود به طوری که با مجموعه ای از عقود که هر کدام دارای تشخص و از حیث ماهیت، مستقل، رو به رو هستیم. در زنجیره های قراردادی نیز، از حیث تشخص و استقلال هر یک از قراردادهای تشکیل دهنده یک زنجیره، وضع به همین منوال

است. علت این تمایز بین این دو گونه قراردادی (مجموعه و زنجیره قراردادی با قرارداد مختلط یا مرکب) را نیز در اراده افراد باید جست و جو نمود.

لازم به ذکر است، برخی از نویسندگان در مقام تبیین یکی از تقسیمات قرارداد یعنی تقسیم عقود به مرکب و بسیط؛ بدون نامگذاری عقود به مرتبط، به محتوی این عقود اشاره نموده و ماهیت آن را از حیث استقلال یا عدم استقلال بر خلاف عقد مرکب، به بیانی که توضیح دادیم، دانسته اند. ایشان در تبیین استقلال یا عدم استقلال عقود مرتبط از جمله قراردادهای مربوط به تأسیس کارخانه و یا استخراج معادن بیان می نمایند:

«این گونه قراردادها از بخشهای مستقلی تشکیل یافته اند که هریک را نمی توان تابع عنوان خاصی از عقود دانست. مثلاً قرارداد استخراج نفت که میان یک کشور صادر کننده و یک شرکت خارجی منعقد می شود در بردارنده چند قرارداد اصلی و فرعی همچون ارائه دانش فنی، تملیک ابزارهای مورد نیاز و تربیت نیروهای متخصص است. در اینجا احکام بیع و اجاره و مانند اینها به طور جداگانه بر هریک از بخشهای عقد حاکم است» (محقق داماد و همکاران، پیشین، صص ۱۹۷-۱۹۸).

نکته اساسی که مترتب بر تحلیل مزبور است در شناسایی اطراف قراردادهای مرتبط نمود پیدا می نماید. با حفظ استقلال و تشخیص هر یک از قراردادهای تشکیل دهنده یک مجموعه قراردادی (قراردادهای مرتبط)، اطراف قرارداد صرفاً محدود به همان قرارداد مزبور بوده و به عبارت دیگر پیوند و ارتباط بین قراردادهای مرتبط، باعث گسترش اطراف قرارداد به طرفهای سایر قراردادهای مرتبط نخواهد شد. با تبیین اطراف قراردادی نتیجتاً مسئولیت افراد صرفاً در برابر طرف قراردادی خود مسئولیت قراردادی بوده و نسبت به سایر اطراف قرارداد، بسته به نوع ارتباط در صورت استناد، امکان مراجعه ایشان از باب مسئولیت خارج از قرارداد بعید نیست. بنابراین همان طور که بیان داشتیم در عقود مرتبط، هر یک از عقود تشکیل دهنده که بین آنها ارتباط وجود داشته و همگی برای رسیدن به هدفی واحد انعقاد پیدا نموده اند، دارای استقلال بوده و به لحاظ معین یا غیر معین بودن، هر کدام، تابع احکام و قواعد خاص خود می باشند. از این جهت ترکیب آنها با یکدیگر بمثابة ترکیب مواد شمایلی که با یکدیگر واکنش نشان داده و به یک شی دیگر تبدیل می شوند، نخواهد بود و ارتباط عقود مزبور باعث ایجاد ماهیتی جدید نخواهد گردید.

بر اساس تمام آنچه در خصوص مبانی وابستگی قراردادهای مرتبط بیان گردید و هم چنین با در نظر گرفتن نقش تعیین کننده اراده طرفین به عنوان مبنای وابستگی که بازگشت برخی از مبانی بیان شده نهایتاً به آن است؛ به طور کلی دو معیار برای تحقق وابستگی قراردادها در یک مجموعه قراردادی می توان ارائه نمود. در حقیقت؛ تمامی مبانی بیان شده برای ارتباط و وابستگی قراردادهای مرتبط که بیان آن گذشت و تردیدهای وجود داشته مبنی بر تعیین کننده بودن رضایت طرفین و یا صرف وجود مشارکت قراردادها در تحقق یک عملیات اقتصادی کلی، به عرصه قانونگذاری پا نهاده و مقنن

فرانسوی را وا داشته به طور جزئی تعیین تکلیف ننموده و دو معیار در این خصوص بیان نماید. این دو معیار که عمدتاً ناظر به مهم ترین اثر قراردادهای مرتبط یعنی تاثیر انحلال یک قرارداد بر قرارداد دیگر بوده، عبارتند از:

۳.۲.۱. بند اول: معیار ذهنی^۱

مطابق بند ۲ ماده ۱۱۸۶ قانون مدنی، مقنن در تعیین معیار وابستگی قراردادهای در مرحله انحلال، رویکردی ذهنی را اتخاذ کرده و بیان می دارد: «...قراردادهایی که اجرای قرارداد منتفی شده، شرط تعیین کننده رضایت طرف بوده ...».^۲ همان طور که از مفاد این بند مستفاد می شود، مبنای وابستگی، اراده طرفین قرارداد است. بر این اساس، تنها در صورتی می توان قرارداد یا قراردادهای دیگر در یک مجموعه قراردادی را متأثر از انحلال دانست که قرارداد فسخ شده، شرط اساسی و تعیین کننده برای انعقاد آنها تلقی شود. با تأمل در این بند مشخص می گردد که صرفاً با استناد به اراده طرفین (به صورت صریح، ضمنی یا غیره) می توان به وابستگی قراردادهای در مرحله انحلال حکم داد. این معیار نه تنها به عنوان مبنایی مناسب برای وابستگی قراردادهای در مرحله انحلال تلقی می شود که محدوده آن نیز تابع اراده طرفین است، بلکه تنها توجیه منطقی برای تبیین وابستگی قراردادهای در مراحل انعقاد و اجرا نیز محسوب می گردد.

۳.۲.۲. معیار عینی^۳

در ادامه ماده قبل، مقنن معیار دیگری را بیان می کند «قراردادهایی که اجرای آنها با این انحلال غیر ممکن می شوند».^۴ مطابق این معیار، صرف انعقاد چند قرارداد در چارچوب یک عملیات اقتصادی کلی، نوعی وابستگی عینی بین آنها ایجاد می کند، بی آنکه نیازی به احراز اراده خاص طرفین باشد. بر این اساس، طبق این معیار، وابستگی قراردادهای در مرحله انحلال هنگامی محقق می شود که انحلال یک قرارداد، اجرای مادی قراردادهای دیگر را ناممکن سازد. علیرغم اختلاف نظر موجود در دکتترین حقوقی فرانسه، مقنن در اصلاحات سال ۲۰۱۶، به صورت قطعی یکی از دو معیار را برگزیده، بلکه با بررسی مبنای و نتایج هر دو، می توان وابستگی قراردادهای را از طریق تلفیق این دو معیار استنباط نمود: «وجود عناصر عینی که حاکی از اراده مشترک طرفین باشد».

در حقوق ایران، حکم به وابستگی قراردادهای در مراحل مختلف منوط به احراز اراده طرفین است (معیار ذهنی). در چنین رویکردی، وابستگی میان قراردادهای تنها در صورتی پذیرفته می شود که طرفین آن را خواسته باشند. با این حال، در مواردی

¹. L'approche subjective.

². «condition déterminante du consentement d'une partie».

³. L'approche objective.

⁴. «les contrats dont l'exécution est rendue impossible par cette disparition».

پیش می‌آید که اگرچه طرفین قراردادهای مرتبط، قصد صریح یا ضمنی برای ایجاد وابستگی نداشته‌اند، اما در عمل، انحلال یا عدم اجرای یک قرارداد، اجرای مادی قرارداد دیگر را غیرممکن می‌سازد. به عنوان مثال، شخصی همزمان با انعقاد قرارداد خرید ملک، قرارداد مقاطعه کاری برای تعمیر همان ملک را منعقد می‌کند. در صورتی که عقد بیع باطل باشد یا پیش از تعمیر فسخ گردد، اجرای قرارداد مقاطعه کاری عملاً غیرممکن خواهد شد؛ زیرا ملک همچنان در مالکیت فروشنده باقی می‌ماند یا به او بازمی‌گردد. بر اساس دیدگاهی در دکترین و رویه قضایی فرانسه که پیشتر اشاره شد، قانونگذار فرانسه با عبارت «قراردادهایی که اجرای آنها با این انحلال غیرممکن می‌شود»، دقیقاً همین معیار عینی را بیان کرده که با مثال فوق انطباق کامل دارد.

در نظام حقوقی ایران، عناصر عینی تنها زمانی می‌توانند مبین وابستگی باشند که دلالت بر اراده طرفین داشته باشند. در واقع، در حقوق ایران نیز مشابه حقوق فرانسه، علم طرفین به کلیت عملیات اقتصادی، شرط ضروری برای تسری اثر انحلال به شمار می‌رود. با این فرض، در مثال یادشده، با توجه به انعقاد قرارداد تعمیر که فرعی بر وقوع عقد بیع است، اوضاع و احوال و قرائن موجود حاکی از آن است که طرفین، این دو قرارداد را به صورت وابسته به یکدیگر در نظر گرفته و مقصودشان این بوده که در صورت تحقق خرید، تعمیرات انجام شود. بنابراین، با بطلان یا فسخ عقد بیع، قرارداد مقاطعه کاری نیز منتفی خواهد شد. به بیان دیگر، در قراردادهای مرتبط، هرگاه انحلال یک قرارداد، اجرای مادی قرارداد دیگر را ناممکن سازد، با فرض آگاهی طرفین از هدف اقتصادی کلی، می‌توان اراده آنان مبنی بر وابستگی را مفروض و مسلم دانست.

۴. جایگاه قراردادهای مرتبط و عقد مرکب (مختلط) در میان تقسیمات عقود

مهم ترین مساله برای تشخیص صحت یا بطلان و همچنین تبیین احکام، شرایط و آثار یک قرارداد، تبیین ماهیت آن قرارداد است. برای تعیین ماهیت یک عقد باید جایگاه عقد مزبور در میان دسته بندی عقود را پیدا نمود که به عمل مزبور «توصیف» اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر برای اعمال قواعد حقوقی بر موضوعات (منصوری، پیشین، ص ۴۵)، باید آن را توصیف نمائیم. به طور کلی عقود و معاملات از جهات متفاوت دارای تقسیمهای متعددی است. از این جهت ماده ۱۸۴ قانون مدنی از یک طرف فقط اقسام دو تقسیم (تقسیم عقد از حیث دوام- لازم، جائز، خیار و تقسیم عقد از جهت کیفیت انشاء- معلق و منجز) را ذکر نموده (شهیدی، پیشین، ص ۶۰) و شامل بسیاری از عقود که در قرن اخیر معمول بوده و یا حتی از عنوانهای سنتی و گذشته بوده، نمی‌شود (کاتوزیان، پیشین، ص ۳۸). و از طرف دیگر مقسم اقسام ذکر شده بیان نگر دیده به طوری که گویا تمام اقسام ذکر شده، اقسام یک مقسم می‌باشند.

در حالی که افزون بر آن چه در ماده مزبور بیان گردید، عقد دارای تقسیمات متعدد دیگری نیز می باشد، که همگی از مقررات قانون مدنی مربوط به عقود و معاملات (شهیدی، پیشین، ص ۶۰) یا به اعتبارات مختلف از دیدگاه نویسندگان حقوقی (کاتوزیان، پیشین، ص ۳۸) مطرح گردیده است.^۱

همان طور که بیان گردید، هدف از توصیف یک قرارداد و تبیین جایگاه آن در میان دسته بندی عقود، تبیین ماهیت آن است. در واقع با تبیین جایگاه یک قرارداد در میان تقسیمات عقود که فرع بر قرارداد بودنش است، شرایط و آثاری که برای هر یک از دسته بندی ها مطرح شده، در خصوص آن قرارداد نیز حکمفرما می شود و از این جهت ماهیت آن روشن می گردد. بناء به آنچه بیان گردید، در خصوص جایگاه عقد مرکب (مختلط) در میان تقسیمات عقود تردیدی وجود ندارد، زیرا عقد تشکیل شده مزبور که از ترکیب چندین عقد معین یا غیر معین تشکیل شده، خود عقدی نامعین است، که در تعیین قواعد حاکم بر آنها به قواعد عمومی قراردادها و اراده طرفین در خصوص مقررات تکمیلی، باید مراجعه نمود.

اما در عقد مرتبط عکس این امر صادق است و لازمه تبیین جایگاه عقد مرتبط در تقسیمات عقود، شناخت ماهیت آن است. بدین معنی که در عقد مرتبط به جهت پیچیدگی خاص آن و همچنین رو به رویی با قراردادهای متعدد مرتبط، ابتداء باید این امر مورد بررسی قرار گیرد که آیا به عنوان مثال قراردادهای متعددی که برای استخراج یک معدن تشکیل شده که در تمامی آنها یک شخص محوری حضور داشته و برای رسیدن به هدف مورد نظر، به انعقاد جمیع این عقود با اشخاص واحد یا متفاوت دست می زند، استقلال داشته و یا اینکه ترکیب این عقود با یکدیگر ماهیتی جدید را ایجاد می نماید. در صورت اخیر است که ما با توصیف قرارداد مزبور و تبیین جایگاه آن مواجه بوده و بمانند آنچه در عقد مرکب (مختلط) اجمالاً مورد اشاره قرار گرفت، باید نسبت به تحلیل آن بر آییم.

به جهت بیان شده در پاراگراف فوق، این مساله را مورد بررسی قرار دادیم و به این نتیجه رسیدیم که در این دسته از عقود، هر یک از قراردادهای تشکیل دهنده یک مجموعه، هویت و استقلال خویش را حفظ نموده و صرفاً به علت اشتراک در هدف و نظر به این مطلب که اجرای هدف مذکور در گرو انعقاد عقود مرتبط و اجرای آنهاست، بین این عقود پیوند و وابستگی ایجاد می شود به طوری که با مجموعه ای از عقود که هر کدام دارای تشخیص و از حیث ماهیت، مستقل، رو به رو هستیم (محقق داماد و همکاران، پیشین، صص ۱۹۷-۱۹۸). لذا نحوه مواجهه ما با هر یک از قراردادهای تشکیل دهنده یک مجموعه قراردادی بمانند جایی است که یک قرارداد به تنهایی انعقاد یافته است. از این جهت بسته به معین یا نامعین بودن هر یک از این قراردادها بر اساس ضوابط خاص، تابع شرایط و احکام اختصاصی خود بوده و طبیعتاً آثار خود را نیز خواهد داشت.

^۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص تقسیمات عقد و همچنین انواع این تقسیمات رجوع شود به: شهیدی، پیشین، صص ۶۰-۱۲۲. کاتوزیان، پیشین، صص ۳۷-۱۴۱. قناتی و دیگران، پیشین صص ۱۰۶-۱۹۹.

نتیجه گیری

در پایان این پژوهش به عنوان نتیجه گیری باید بیان داشت؛ حقوق به عنوان مجموعه قوانین و مقررات، در خدمت تنظیم روابط انسانی در صور گوناگون در صورت آن بوده و نمی تواند فارغ از واقعیت های داخلی و بین المللی حاکم بر موضوعات مختلف در خلا، تشریع و اجرا شود. این واقعیت های داخلی و بین المللی که در حوزه معاملات عمدتاً از نیازهای اقتصادی اشخاص سرچشمه می گیرد، دخالت حقوق را ایجاب می نماید. دو نهاد حقوقی مورد بحث یعنی قراردادهای مرتبط و عقد مرکب (مختلط) که در هر دو با دو یا چند قرارداد رو به رو هستیم نیز از این قاعده مستثنی نیستند. عقد مرکب (مختلط)، مورد توجه دکتربین حقوقی ایران قرار گرفته و با تعریف ارائه شده از آن، حتی در فقه رگه هایی از آن در کلام فقها مشاهده می شود. در ترکیب عقود، باید چندین فرض را از یکدیگر تفکیک نمود؛ در حقیقت خصیصه بارز این ماهیت حقوقی این است که طرفین در پرتو اصل آزادی اراده ضمن انشای واحد یا چند انشاء گوناگون نظر به ترکیب عقود داشته به نحوی که عقود جزء فقط از باب ملازمه با کل موجودیت داشته و ماهیت ایجاد شده دارای یک ماهیت خاص و مستقل بوده و یک عقد نامعین را تشکیل میدهد. از این جهت، آثار اختصاصی هر یک از عقود تشکیل دهنده عقد مرکب بر هر کدام از این عقود مترتب نخواهد شد زیرا به جمیع نقیضین که محال است می انجامد، در نتیجه بایستی عقد مزبور مستقل از اجزاء را در پرتو قواعد عمومی قراردادها تحلیل و بررسی کرد. در اینگونه موارد، باطل یا ناممکن شدن هر یک از بخشهای مهم عقد که تاثیر مستقیم در عملی ساختن موضوع عقد دارد، بر کل عقد تاثیر می گذارد. در این موارد قصد طرفین به مجموع عقد تعلق گرفته به طوری که اگر بخشی از عقد بخواهد تنفیذ گردد، از قصد و رضای طرفین بخلف می شود و این عمل با قاعده «العقود تابعه للقصود» تنافی خواهد داشت. توجه به حقوق فرانسه به عنوان منشا ظهور این قراردادها نیز، این نظریه را تأیید می نماید.

قراردادهای مرتبط، بر خلاف عقد مرکب (مختلط) و جز در موارد اندکی، مورد توجه دکتربین حقوقی و رویه قضائی قرار نگرفته و تعریفی از آن ارائه نشده است. اگرچه در قراردادهای متعدد مسائل متعددی وجود داشته که نیاز به بررسی و تحلیل دارد، لکن بدلیل نوظهور بودن آن در حقوق ایران، ارائه تعریف و بیان ماهیت آن در تحلیل احکام و آثار آن بسیار مفید و اثر گذار است. نهاد قراردادهای مرتبط در جایی مصداق پیدا می نماید، که دو یا چند قرارداد بواسطه اشتراک آنها در هدف نهایی از انعقاد، به یکدیگر وابستگی و ارتباط پیدا می نمایند، در حقیقت؛ قراردادهای مرتبط، دو یا چند قرارداد هستند که بین اطراف واحد یا مختلف و به نحو مستقل منعقد گردیده، لکن بواسطه اشتراک در هدف نهایی آنها از انعقاد، اهم از آن که با انتفاء یک قرارداد، سایر قراردادها از حیث مادی قابلیت اجرا داشته باشند یا نداشته باشند، به یکدیگر ارتباط پیدا می نمایند. بکاربردن قید «استقلال»، در تعریف فوق باعث خروج قراردادهایی که وجود مستقل نداشته و از حیث شرایط انعقاد و نفوذ، تابع قرارداد دیگری می باشند بمانند عقود مستقلی که بواسطه اراده طرفین در قالب شرط ضمن عقد می گنجد یا عقود وثیقه ای و از جمله عقد ضمان، می شود.

عنصر متمایز کننده قراردادهای مرتبط از سایر عقود و قراردادها، «ارتباط» و «وابستگی» بین قراردادها می‌باشد؛ وابستگی مزبور اعم از آنکه یک طرفه باشد یا متقابل، مباحث گسترده‌ای خصوصاً از حیث مبانی به خود اختصاص می‌دهد که در این پژوهش به بررسی مبانی وابستگی قراردادی (از جمله مفهوم موضوع عقد، تئوری علت، مفهوم تقسیم‌ناپذیری و مفهوم شرط تعلیقی یا فاسخ) پرداخته شد و دو معیار ذهنی (ناظر بر اراده طرفین و شرط تعیین‌کننده رضایت) و عینی (ناظر بر غیرممکن شدن اجرای مادی قراردادها) برای تحقق وابستگی در مرحله انحلال و سایر مراحل، به عنوان نتیجه تلفیقی از این مبانی، ارائه گردید. «عناصر عینی» می‌توانند «مبنی اراده» (معیار ذهنی) باشند؛ این رویکرد باعث می‌شود که قاضی یا داور بدون خروج از حاکمیت اراده (ماده ۱۰ ق.م)، بتواند بر اساس اوضاع و احوال مادی، حکم به وابستگی قراردادها صادر کند که این امر به عدالت معاوضی نزدیک‌تر است. ارتباط مزبور، ناچاراً در عالم حقوق اثر گذار بوده لکن نمی‌تواند باعث ترکیب عقود شود به طوری که هر عقد، تشخص و استقلال خود را از دست داده و صرفاً از باب ملازمه با کل موجودیت پیدا نماید، بلکه هر یک از عقود مزبور، تشخص و استقلال خود را حفظ می‌نماید و از حیث ماهیت نیز مستقل در نظر گرفته می‌شود، از این جهت، هر عقد به لحاظ معین یا غیر معین بودن، تابع احکام و قواعد خاص خود می‌باشد. با حفظ استقلال و تشخص هر یک از قراردادهای تشکیل دهنده یک مجموعه قراردادی، اطراف قرارداد صرفاً محدود به همان قرارداد مزبور بوده و به عبارت دیگر پیوند و ارتباط بین قراردادهای مرتبط، باعث گسترش اطراف قرارداد به طرفهای سایر قراردادهای مرتبط نخواهد شد. با تبیین اطراف قراردادی نتیجتاً مسئولیت افراد صرفاً در برابر طرف قراردادی خود مسئولیت قراردادی بوده و نسبت به سایر اطراف قرارداد بسته به نوع ارتباط در صورت استناد، امکان مراجعه ایشان از باب مسئولیت خارج از قرارداد بعید نیست.

بناءً به آنچه بیان گردید؛ تفاوت های این دو نهاد های حقوقی را در محور های زیر می توان جستجو نمود:

۱. استقلال در برابر ادغام: بنیادی‌ترین تفاوت ماهوی در حفظ یا از دست دادن هویت مستقل اجرای قراردادی است. در قراردادهای مرتبط، هر یک از قراردادهای تشکیل دهنده مجموعه، هویت، تشخص و استقلال حقوقی خود را کاملاً حفظ می‌کنند. در مقابل، در عقد مرکب، ترکیب عقود با یکدیگر منجر به پیدایش یک ماهیت حقوقی جدید و واحد می‌شود که در آن، اجزای اولیه تشخص خود را از دست داده و صرفاً به عنوان بخشی از یک کل موجودیت دارند.

۲. قواعد حاکم بر قرارداد: از حیث نظام قانونی حاکم، این دو نهاد مسیر متفاوتی را طی می‌کنند: در قراردادهای مرتبط، به دلیل حفظ استقلال، هر قرارداد (اعم از معین یا نامعین) تابع شرایط، احکام و قواعد اختصاصی خود است؛ برای مثال، در یک مجموعه قراردادی، ممکن است بخشی تابع احکام بیع و بخش دیگر تابع احکام اجاره باشد. در عقد مرکب، ماهیت ایجاد شده به عنوان یک عقد نامعین مستقل شناخته می‌شود؛ لذا آثار اختصاصی عقود تشکیل دهنده بر آن مترتب نمی‌شود و باید آن را در پرتو قواعد عمومی قراردادها و ماده ۱۰ قانون مدنی تحلیل کرد.

۳. نحوه پیوند قراردادهای و نقش اراده طرفین: در قراردادهای مرتبط، پیوند میان عقود ناشی از اشتراک در هدف اقتصادی نهایی است؛ اراده طرفین و یا برخی عناصر عینی مبین این است که دو یا چند قرارداد برای رسیدن به هدفی واحد انعقاد پیدا نموده اند. اما در عقد مرکب، صرفاً اراده طرفین آن هم به صورت وحدت مطلوب به یک عنوان جامع تعلق می گیرد، در واقع، قصد طرفین به مجموع عقد تعلق یافته و آن‌ها به دنبال اختلاط ماهیت‌ها برای رسیدن به یک موجودیت حقوقی ممتاز هستند.

۴. دامنه طرفین قرارداد و مسئولیت هر کدام از ایشان: در قراردادهای مرتبط، ارتباط میان عقود باعث گسترش اطراف قرارداد نمی‌شود؛ یعنی هر شخص صرفاً در برابر طرف مستقیم قرارداد خود مسئولیت قراردادی دارد. در عقد مرکب، به دلیل وحدت ماهیت، تمامی تعهدات در قالب یک پیمان واحد میان طرفین تعریف می‌شود.

۵. تأثیر انحلال و بطلان: در عقد مرکب، به دلیل پیوند ناگسستنی اجزاء، باطل یا ناممکن شدن هر بخش مهم که در موضوع عقد تأثیر مستقیم دارد، کل عقد را متأثر کرده و موجب انحلال کل ماهیت می‌شود. در قراردادهای مرتبط، سرائت انحلال یک عقد به سایر عقود تابع معیارهای دوگانه عینی و ذهنی است؛ انحلال تنها زمانی سرائت می‌کند که یا اجرای مادی قرارداد دیگر ناممکن شود (معیار عینی) و یا قرارداد منحل شده، شرط تعیین کننده رضایت طرف در قراردادهای دیگر بوده باشد (معیار ذهنی).

پیش از انتشار

فهرست منابع

۱. فارسی

الف: کتابها

۱. اسد زاده، سکینه، **بررسی وضعیت حقوقی گروه های قراردادی**، چاپ اول، تهران، انتشارات امجد، ۱۳۹۸.
۲. امیری قائم مقامی، عبدالمجید، **حقوق تعهدات**، ج ۲، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۸.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، ج ۲، چاپ اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸.
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، ج ۱، چاپ یازدهم، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۰.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، **فلسفه اعلی در علم حقوق**، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۲.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، **الفاروق: دائرة المعارف عمومی حقوق**، چاپ اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۶.
۷. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه**، ج ۱۴، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۸. شهیدی، مهدی، **حقوق مدنی - تشکیل قراردادها و تعهدات**، ج ۱، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات امجد، ۱۳۹۸.
۹. محقق داماد، سید مصطفی و همکاران، **حقوق قراردادها در فقه امامیه**، ج ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
۱۰. کاتوزیان، ناصر، **حقوق مدنی - قواعد عمومی قراردادها**، ج ۱، چاپ هفتم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۴۰۱.
۱۱. کاتوزیان، ناصر، **حقوق مدنی - قواعد عمومی قراردادها**، ج ۲، چاپ چهارم، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶.
۱۲. کاتوزیان، ناصر، **حقوق مدنی - عقود معین**، ج ۱، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۶.

ب: مقالات و پایان نامه ها

۱۳. آریان کیا، رضا، «**مفهوم وابستگی متقابل قراردادی در حقوق فرانسه**»، نشریه کانون وکلا، شماره ۲۰۲ و ۲۰۳، ۱۳۸۷.
۱۴. اسدزاده، سکینه، کریمی، عباس، نعم، مختار، «**بررسی تطبیقی وضعیت حقوقی گروه های قراردادی در حقوق ایران و فرانسه**»، فصلنامه علمی حقوق تطبیقی، شماره ۲، دوره هشتم، ۱۳۹۸.

۱۵. بیگدلی، سعید، اصائلو، اکبر، «انتقای قرارداد مرتبط» در حقوق قراردادهای نوین فرانسه با نگاهی با قابلیت پذیرش آن در حقوق ایران»، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، شماره ۲، دوره ۱۴، ۱۴۰۲.
۱۶. تفرشی، محمد عیسی، وحدتی شبیری، سید حسن، ماهیت حقوقی، احکام و آثار قرارداد «اجاره به شرط تملیک» (مطالعه تطبیقی)، نشریه دانشور پزشکی: نشریه پژوهشی پایه و بالینی، شماره ۳۶، دوره ۹، ۱۳۸۰.
۱۷. خاکساریان، علیرضا، «بررسی ماهیت قرارداد ساخت و ضمانت اجرای تخلف از آن»، فصلنامه پژوهش های کاربردی در مدیریت و علوم انسانی، شماره ۸، سال سوم، ۱۴۰۱.
۱۸. خورسندیان، محمدعلی، شنیور، قادر، «ماهیت عقد مرکب در فقه و حقوق موضوعه»، نشریه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۴، ۱۳۹۰.
۱۹. زینلی گلایی، آتوسا، «انحلال عقد واحد به عقود متعدد»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
۲۰. سلجوقی، محمود، «عنصر جهت در تعهدات و معاملات»، نشریه کانون وکلا، شماره ۱۴۲، ۱۳۵۷.
۲۱. سعیدی، محمد علی، محمد حسنی، صدیق، «انحلال آبشاری مجموعه های قراردادی در نظام حقوقی فرانسه»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۲، دوره ۲۷، ۱۴۰۳.
۲۲. صابریان، علیرضا، «ماهیت شرط بنایی از منظر فقه امامیه و حقوق مدنی»، فصلنامه دین و سیاست، شماره ۲۱ و ۲۲، ۱۳۸۸.
۲۳. صادقی مقدم، محمد حسن، شکوهی زاده، رضا، «تشخیص معیار تبعیت در عقود تبعی و آثار آن در حقوق ایران، فرانسه و انگلیس»، نشریه پژوهش های حقوق تطبیقی، شماره ۴، ۱۳۸۹.
۲۴. قدک، عبدالرسول، «وابستگی قراردادها در زمینه اعتبارات مصرفی حقوق فرانسه (۱)»، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۲۱ و ۲۲، دوره ۱، ۱۳۷۷.
۲۵. قنبرزاده، محمد، ایزدی فرد، ابراهیمی، «بررسی فقهی ماهیت قرارداد اشتراک تلفن ثابت پس پرداخت»، آموزه های فقه مدنی، شماره ۲۴، دوره ۱۳، ۱۴۰۰.
۲۶. کریم پور آلهاشم، سید محمد تقی، «بررسی مفهوم و احکام خاص عقود مرکب و جامع در فقه و حقوق ایران با تکرش تطبیقی»، نشریه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۶۷، سال هجدهم، ۱۴۰۱.
۲۷. گنجی، لطف الله، حاتمی پور، محسن، «بررسی تحلیلی ماهیت و آثار عقود زنجیره ای (شبکه قراردادی) در حقوق ایران، فقه و حقوق تجارت بین المللی»، نشریه قضاوت، شماره ۱۰۴، دوره ۲۰، ۱۳۹۹.
۲۸. ماه پروری، مژگان، «انحلال عقد به عقود متعدد در فقه و حقوق ایران با نگاهی به کنوانسیون بیع بین المللی کالا (۱۹۸۰ وین)»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی موسسه آموزش عالی اشراق بجنورد، ۱۳۹۶.

۲۹. منصوری، محمد، الشریف، محمد مهدی، طباطبایی، سید محمد صادق، «توصیف عقد در عقود مختلط در حقوق ایران، فقه امامیه و حقوق فرانسه»، مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۱، دوره ۱۳، ۱۴۰۱.

۳۰. هاشمی، سید احمدعلی، توکلی کیا، امید، «پیدایش و سیر تحولات نظریه علت تعهد در تاریخ حقوق فرانسه»، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، شماره ۱۷، دوره ۵، ۱۴۰۱.

۳۱. یزدانیان، علی رضا، «ویژگی های معلق علیه در فقه، حقوق ایران و فرانسه»، نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۱، دوره ۴۲، ۱۳۸۸.

۳۲. یزدانیان، علیرضا، «تجزیه ناپذیری موضوع تعهدات قراردادی و غیر قراردادی در حقوق اسلام، ایران و فرانسه»، نشریه پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۱، ۱۳۹۹.

پ: تقریرات

۳۳. اشرفی شاهرودی، مصطفی، درس خارج فقه، بتاريخ / ۱۴۰۳/۰۲/۰۹
<https://eshia.ir/Feqh/Archive/text/ashrafi/feqh/1402/14030209/%D8%A7%D8%AC%D8%A7%D8%B1%D9%87%20%D8%A8%D9%87%20%D8%B4%D8%B1%D8%B7/%20%D8%AA%D9%85%D9%84%DB%8C%DA%A9>

۳۴. بهبهانی، محمد علی، درس خارج فقه معاصر، بتاريخ: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱
<https://eshia.ir/Feqh/Archive/text/behbahani/feqh2/1402/14020801/%D8%A7%D8%AC%D8%A7%D8%B1%D9%87%20%D8%A8%D9%87%20%D8%B4%D8%B1%D8%B7%20%D8%AA%D9%85%D9%84%DB%8C%DA%A9>

۲. عربی

۳۵. انصاری، مرتضی، **المکاسب**، ج ۳، چاپ بیست و هشتم، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۳۹۸.

۳۶. بجنوردی، حسن، مهریزی، مهدی، درایتی، محمدحسین، **القواعد الفقهیه**، ج ۳، چاپ چهارم، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۹۶.

۳۷. جبعی العاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، **مسالك الأفهام الى تنقيح شرائع الاسلام**، ج ۴، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، نسخه الکترونیکی سایت مدرسه فقاقت، <https://lib.eshia.ir/10151/0/7>

۳۸. سنهوری، عبدالرزاق، **الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید**، ترجمه: دادمرزی، سید محمد مهدی، دانش کیا، محمد حسین، ج ۱، چاپ اول، قم، انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۸.

۳۹. نجفی، محمد حسن، **جواهر الکلام**، ج ۲۶، چاپ هفتم، تهران، انتشارات دار احیا التراث العربی، ۱۳۶۲.

۳. لاتین

A. Codes et lois

40. Code Civil Des Français 1804.
41. Code Civil Des Français 2016.
42. Loi N°78-22 Du 10 Janvier 1978 Relative À L'information Et À La Protection Des. Consommateurs Dans Le Domaine De Certaines Opérations De Crédi.
43. Loi N°79-596 Du 13 Juillet 1979 Relative À L'information Et À La Protection Des. Emprunteurs Dans Le Domaine Immobilier.
44. Projet catala, 2002.
45. Projet Terré, 2009.

B. Livres, Articles, Thèses, CaS

46. Deshayes, Olivier; Genicon, Thomas; Laithier, Yves-Marie; *Réforme du droit des contrats*, du régime général et de la prevue des obligations, 2018.
47. Fréchette, Pascal, **La qualification des contrats**, en vue de l'obtention du grade de Maîtrise en droit (LL.M.) Montréal : Université de Montréal, 2008.
48. Henry, Xavier, **La technique des qualifications contractuelles**, THESE pour l'obtention du grade de DOCTEUR EN DROIT, Nancy : Université de Nancy II, 1992.
49. Cass com, 19 nov, 1974, Arrêt précite. Cass com, 21 juill. 1975. Arrêt précite.
<https://www.studocu.com/fr/course/universite-de-montpellier/droit-civil-contrats->